

نشریه آینه دار خبری

حافظ
شماره

Hafta Studies & Research Center

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

۵ یادمان شادروان «استادهاشم جاوید»

۶ حافظ در آلمان و گوته در ایران

۸ ترجمه‌ی غزل‌های حافظ زیر ذره‌بین پژوهشگر مرکز حافظ‌شناسی

۹ گفت‌وگویی حافظانه با «استادمنصور رستگار فسایی»

۱۲ معرفی کتاب «چهره‌های عشق و شاعران شیراز»

۲ حافظ و انسان، موضوع بیست‌وسومین یادروز حافظ

۲ اعطای نخستین پژوهانه دکتر طاهری

۳ بازشناسی کتاب «این کیمیای هستی» دکتر شفیع کدکنی

۳ بازشناسی ترجمه‌ی پال اسمیت استرالیایی از دیوان حافظ

۵ سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و کاربرد آن در شعر حافظ

بهار ۱۳۹۸

شماره

۱



انتشار کتاب و مجله‌های گوناگون، دستاوردهای فرهنگی بسیاری برای جامعه‌ی ادب‌سنگ به همراه دارد. با چنین شمارگان چشمگیر و مخاطبان گسترده‌ای ضرورت انتشار خبرنامه، بیش‌تر جلوه‌گری می‌نماید.

اکنون به یاری دلدار گیتی‌آرا با همین نیت ناب و حافظانه و با عنایت به فعالیت‌های گسترده‌ی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ نخستین شماره‌ی خبرنامه‌ی این مرکز با نام **آینه‌دار جمال** به حافظ‌دوستان و اهالی کوی فرهنگ و ادب پیشکش می‌شود.

این نشریه بر آن است تا با معرفی مرکز حافظ‌شناسی و بازتاب اهم رویدادهای فرهنگی و ادبی، در پیوند با سلطان غزل‌سرایان جهان ادب و ادب جهان، گام‌هایی استوار بردارد و به گسترش فرهنگ و ادب این آب و خاک رونق بخشد. در این راه منتظر همراهی و همگامی حافظ‌دوستان عزیز خواهیم بود.

سیدهادی حسینی

مدیر روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی

خود را ز غم آزاده کنی». آری حافظ پیغام‌رسان اهل دل است و قصه‌ی ارباب معرفت را صمیمانه دوست دارد و برای آنچه با شناخت و آگاهی همدست و هم‌داستان است احترامی فراتر را به رسمیت می‌شناسد.

با چنین زمینه‌ی مبارک و خجسته‌ای، به پیروی از انسان‌های معرفت‌پرور و فرهنگ‌ور و حافظ ادب‌باور، باید گفت خبر برای همگان پیام‌آور رهایی و آگاهی‌ست و بی‌گمان اگر خبر درباره‌ی دوست دلنشانی چون حافظ باشد، ارزش‌های زیباتر و پرننگ‌تری دارد.

رویکرد نخست مرکز حافظ‌شناسی، تمرکز اساسی بر اندیشه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی است؛ بدین‌منظور در سطح همگانی بیش از بیست‌سال است که کلاس‌های حافظ‌خوانی برگزار می‌شود. شمار حافظ‌دوستانی که از صراحی معرفت حافظ بهره‌مند شده‌اند، تا تابستان ۱۳۹۸ بیش از ۱۴۰۰۰ تن بوده است.

مرکز حافظ‌شناسی با رویکرد تخصصی نیز مخاطبان گسترده‌ای دارد و با نام و نشان کرسی پژوهشی حافظ و گزینش بین‌المللی در دوره‌ی پسادکتری و

چندچندان کند. بر همین پایه باید افزود خبر و پیام دوست همیشه برای حافظ گرمی است؛ چراکه خبر را جان می‌داند و آن را گاه از سروش عالم غیب خواهان است و گاه از باد صبا و برای دریافت مژده‌ی وصل از سر جان برمی‌خیزد تا خود را از خواجگی کون و مکان فراتر ببیند.

شاید گاهی این پرسش و اندیشه سراغ ما بیاید که آیا در ادب غنایی نیز می‌توان همچون ادب تعلیمی از خبر، خبردار شد؟

آیا در اوج احساس و عاطفه آنجا که سخن از طربناکی و مژده‌ی وصل با غمناکی و روزگار فراق است، اصولاً جایی برای خبر یافتن و خبرپردازی است؟

حافظ بی‌گمان در این پهنه نیز روشنگرانه ما را راهنمون است و با صدها نمونه پیام‌سازی و خبرگرایی روی و راه ادب غنایی را محدود نمی‌کند و در گوش اهل خبر می‌خواند که: «نصیحت گوش کن جانا» و «بشنو این نکته که



مطلع سخن

ای پیک راستان خبریار ما بگو
احوال گل به بلبل دستان سرا بگو
ما محرم‌ان خلوت انسیم غم مخور
با یار آشنا سخن آشنا بگو

دوازدهم اردیبهشت‌ماه نودوهشت، زوج جوان و حافظ‌دوستی که درست یک‌سال از تاریخ پیوندشان در کلاس حافظ‌شناسی می‌گذشت، به رسم احترام و ادب در پیشگاه حافظ عزیز و جایگاه درس و مدرس، علم مهر برافراشتند و با دو نهال نارنج به حافظیه پا گذاشتند و این دو یادگار سبز را در حافظیه به نام استاد مجید اسکندری و بنده کاشتند. این یکی از زیباترین خبرها و خاطره‌های من شد تا انگیزه‌ی خبرنگارانی و انتشار خبرنامه را در میان من و دوستان مرکز حافظ‌شناسی

«حافظ و انسان»

موضوع علمی بیست و سومین یادروز حافظ



مدنظر حافظ انسانی فرازمینی است یا می‌تواند در دسترس باشد؟ خاستگاه اندیشگانی حافظ کجاست که می‌گوید: «با دوستان مروت با دشمنان مدارا»؟

حافظ خواستار چه نوع دوستی میان انسان هاست که این همه بر مفهوم دوستی پای فشرده است؟

مدیر کرسی پژوهشی حافظ بیان کرد: باید دید در دیدگاه حافظ، رابطه‌ی انسان با اجتماع و رابطه‌ی انسان با خداوند چگونه بازتعریف شده است؟ آیا سرنوشت انسان محتوم و تغییرناپذیر است؟ آیا انسان قدرتی برای تغییر سرنوشت خود دارد یا ندارد؟ آیا باید بر دانش یا تقوای خود تکیه کرد یا باید توکل کرد و آرام گرفت؟ رابطه‌ی انسان‌های مختلف با باورها و اندیشه‌های گوناگون چگونه باید باشد؟ حافظ که معتقد است «که رستگاری جاوید در کم‌آزاری است» آیا به حقیقتی ویژه اشاره دارد؟ وقتی می‌گوید: «مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن / که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست» آیا همین است؟ چه کسی حقیقت را می‌فهمد؟ انسان دینی چگونه انسانی است؟ دنیا برای انسان چه جایگاهی دارد؟ آیا دامگاهی است که ناگزیر در آن فروافتاده و اینک باید از آن بجهد و بدان پشت یا بزند. یا می‌تواند مثل سعدی آشکارا بگوید: «عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست»؟ یا باید همچون حافظ سرخوشانه بگوید: «فردا شراب کوثر و حور از برای ماست / و امروز نیز شاهد مهر و جام می» حافظ چه انسانی را در نظر دارد که می‌گوید: «در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است / حیف باشد که ز حال همه غافل باشی».

وی ادامه داد: دسته‌ی دیگر پرسش‌ها مربوط می‌شود به پیوند انسان امروز با شعر و اندیشه‌ی حافظ، یعنی انسان معاصر چگونه می‌تواند به حافظ نگاه کند؟ شعر حافظ چه نیازی از انسان معاصر را پاسخ می‌گوید؟ آیا انسان امروز که فاصله زیادی با انسان سده‌ی هشتم دارد، می‌تواند از آموزه‌های انسانی حافظ بهره‌مند باشد؟ اگر آری چگونه؟ آیا شعر حافظ برای تنگناهای معرفتی جهان معاصر و برای و ناهنجاری‌های روانی مردم امروز پیشنهادی دارد؟

استاد دانشگاه شیراز ادامه داد: بالاخره سوال پایانی اینکه آیا اصلاً می‌توان برای حافظ به دلیل خلق و خوی شاعرانگی و رفتارهای هنری او یک منظومه‌ی فکری روشن تصویر و تصور کرد؟ و اگر نه، آیا باید از پی‌جویی چنین پرسش‌هایی دست کشید؟ این نکته‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست می‌تواند در نشست علمی بیست و سومین یادروز حافظ در کانون توجه باشد.

دکتر حسن‌لی اعلام کرد: مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، همچون سال‌های پیش، از همه‌ی اندیشمندان و حافظ‌پژوهان دعوت می‌کند که دستاوردهای تحقیقاتی خود را به شرط اینکه با نگاهی نو صورت گرفته باشد و سخنی تازه داشته باشد، به مرکز حافظ‌شناسی ارسال کنند.

به گزارش روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی، دکتر کاووس حسن‌لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی و استاد کرسی پژوهشی حافظ در جمع خبرنگاران و اهالی رسانه اعلام کرد: مرکز حافظ‌شناسی موضوع علمی بیست و سومین یادروز حافظ در سال ۱۳۹۸ را، «حافظ و انسان دیروز و امروز» تعیین کرده است.

دکتر حسن‌لی با بیان این مقدمه که از گذشته‌های دور تاکنون «انسان و مفهوم انسانی» از سوی بسیاری از اندیشمندان جهان بارها و بارها تعریف و بازتعریف شده است و مکاتب فکری گوناگون تعریف‌های مختلفی از انسان و مفهوم انسانی دارند، بیان کرد: حافظ نیز در جایگاه یکی از شاعران اندیشمند و نام‌آور جهان، نگاه ویژه‌ی خود، به این مفهوم بنیادی دارد که در لایه‌لای سروده‌های بلندش بازتاب یافته است. از سوی دیگر، انسان معاصر و روابط انسانی در جهان امروز با روابط انسانی در چندین قرن پیش بسیار متفاوت است.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی توضیح داد: این موضوع را از چندین زاویه می‌توان نگرست که در یک نگاه کلی می‌توان همه را در دو دسته جای داد: یکی بررسی مفهوم انسان در اندیشه‌ی حافظ و دیگری نگاه انسان معاصر به شعر حافظ. به سخنی دیگر هم نگاه حافظ به انسان در کانون توجه است و هم نگاه انسان امروز به حافظ. البته واژه‌ی «انسان» در غزلیات حافظ چندان در کانون توجه نبوده و پراکند نیست، اما مفهوم انسان و انسان متعالی در سراسر دیوان حافظ به گونه‌ای فراگیر گسترده است. وی با اشاره به اینکه پرسش‌های گوناگونی را در پیوند با این موضوع می‌توان درافتد و انتظار می‌رود حافظ‌پژوهان بدان‌ها توجه کنند، ادامه داد: برای نمونه این پرسش‌ها مطرح می‌شود که حافظ در سده‌ی هشتم به انسان چگونه می‌نگرد؟ یا انسان متعالی از نظر حافظ کیست؟ رفتارهای شایسته‌ی انسان معتدل و متعادل از نگاه حافظ چیست؟ آیا وقتی به روشنی و بدون ابهام و تاویل‌پذیری می‌گوید: «مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش»، دنبال چگونه انسانی است؟ نظر به چه نوع انسان دارد؟

وی گفت: همچنین اینکه نسبت جسم و جان و تن و روان در نظر حافظ چگونه است؟ آیا تن آدمی زندانی است که روح او در آن گرفتار آمده است؟ آیا به همین دلیل باید هرچه زودتر و هرچه قوی‌تر به تخریب این زندان پرداخت؟ و روح را آزاد کرد؟ یا نه ملازمت جسم و جان از زمینه‌های پرورش انسان می‌تواند باشد؟ آیا انسان آفریده شده است تا در به‌سازی جامعه‌ی پیرامون خود و در ارتقای معنوی و اخلاقی دیگران هم بکوشد تا سعادت‌مند گردد یا آمده است تا با ریاضت جسم و پالایش روح، خود را به آسمان برگرداند؟ حافظ در این گونه مقولات انسان را چگونه می‌بیند؟

ایشان با طرح پرسش‌های دیگری نیز گفت: حافظ لسان‌الغیب از انسان چه همتی را خواهان است؟ دنبال چه نوع همتی است که می‌گوید: «ذره را تا نبود همت عالی حافظ / طالب چشمه‌ی خورشید درخشان نشود». آن طایر قدسی که باید همتش را بدرقه‌ی راه حافظ کند کیست و چیست؟ آیا انسانی را که حافظ در جست‌وجوی آن است باید در آسمان جست یا روی زمین هم هست. به عبارت دیگر، آیا انسان

به گزارش روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی، در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۸، تفاهم‌نامه‌ای میان دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ و دکتر زهرا طاهری، استاد دانشگاه ملی استرالیا امضا شد.

براساس اهداف بلندمدت مرکز حافظ‌شناسی، مبنی بر توسعه‌ی پژوهش‌های علمی در پیوند با حافظ و جذب و حمایت از پژوهشگران مستعد و توانا، این تفاهم‌نامه بین مرکز حافظ‌شناسی-کرسی پژوهشی حافظ و دکتر زهرا طاهری در قالب «پژوهانه‌ی دکتر زهرا طاهری» تنظیم گردید.

به موجب این تفاهم‌نامه خانم دکتر طاهری، سالانه صدویست میلیون ریال به‌عنوان پژوهانه (گرنٲ)، در اختیار

«پژوهانه‌ی دکتر طاهری» تفاهم‌نامه‌ی پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی با دکتر زهرا طاهری



اعطای نخستین پژوهانه‌ی دکتر طاهری

به گزارش روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی، در پی تفاهم‌نامه‌ی پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی با دکتر زهرا طاهری (مصوب فروردین‌ماه ۱۳۹۸) شورای علمی پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، طرح ارائه‌شده



مرکز حافظ‌شناسی قرار می‌دهند و مرکز حافظ‌شناسی سالانه یک نفر را در قالب قرارداد یک‌ساله یا دو نفر را در قالب قرارداد شش‌ماهه (به شرط داشتن طرح پژوهشی مورد پذیرش) به‌کار می‌گیرد. مرکز حافظ‌شناسی در نظر دارد این پژوهانه را در اختیار دانش‌آموختگان دوره‌ی دکتری یا کارشناسی ارشد و هنرمندان واجد شرایط قرار دهد.

از سوی خانم سعیده رضازاده، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز به تصویب رسانید و نخستین «پژوهانه‌ی دکتر طاهری» را به او اعطا کرد.

طبق این گزارش، شورای علمی پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، پس از بررسی صلاحیت علمی افراد داوطلب و طرح‌های پیشنهادی در پیوند با حافظ، خانم سعیده رضازاده را به‌عنوان «نخستین برنده‌ی پژوهانه‌ی دکتر طاهری»، برای انجام طرح پژوهشی با عنوان «رفتارهای هنری حافظ با عناصر طبیعی» اعلام کرد. به موجب اعطای این پژوهانه، وی از آغاز تیرماه ۱۳۹۸ متعهد گردیده است، طرح پژوهشی خود را به مدت یک‌سال به انجام برساند.

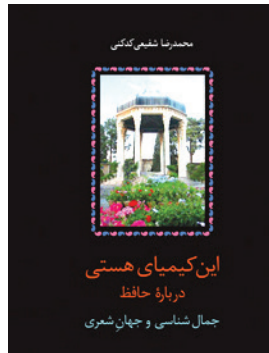
نشست‌های فرهنگی

شفیعی‌کدکنی از بیماری «انسان‌نویسی در تحقیقات ادبی» سخن می‌گویند تا بحث پایانی جلد سوم که بحث «مستور و مست» و پیوند آن با اندیشه‌های صوفیانه و اشعری‌گری است و بحث آدم و نیز اراده‌ی معطوف به آزادی که از دید دکتر شفیع‌کدکنی هیچ یک از

سیصدویست و یکمین نشست حافظانه

بازشناسی کتاب این کیمیای هستی

اثر دکتر محمد رضا شفیع‌کدکنی



سخن‌سرایان ایرانی از این نظر به پای حافظ نمی‌رسند.

ایشان در پایان ضمن قدردانی از همه‌ی حاضران، سپاس ویژه‌ی خود را به استادان ارجمند، آقای دکتر نصرالله امامی و خانم دکتر منیژه عبدالهی که دعوت ایشان را برای سخنرانی در این جلسه و بازشناسی کتاب یادشده پذیرفتند، تقدیم کرد.

در ادامه‌ی این مراسم، دکتر نصرالله امامی، استاد بازنشسته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سخنان خود را با محور گستره‌ی پژوهشی آثار دکتر شفیع‌کدکنی آغاز کرد و گفت: حوزه‌ی پژوهش‌های استاد شفیع‌کدکنی شامل گستره‌ی چشمگیری است که پژوهش‌های مستقلی در حوزه‌ی نقد و تصحیح متون کهن و معاصر، تاریخ‌نگاری ادبی و سبک‌شناسی، عرفان‌پژوهی و چند شاخه‌ی دیگر را دربرمی‌گیرد.

ایشان به چاپ‌های پیشین کتاب این کیمیای هستی اشاره کرد و گفت: این کیمیای هستی نام مجموعه‌ای آراسته به نام استاد شفیع‌کدکنی است. چاپ اول این کتاب در یک جلد، به همت ولی‌الله درودیان، در سال ۱۳۷۸ به‌وسیله‌ی انتشارات آیدین تبریز منتشر شد. این چاپ با وجود شهرت خود به اعتبار نام و جایگاه استاد شفیع‌کدکنی، بازتاب درخور و چشمگیری نیافت و علت این موضوع، شاید سلیقه و شیوه‌ی تدوین این اثر بود که براساس پسند گردآورنده و نه عاملیت و نظر استاد انجام شده بود. همین موضوع سبب شد تا پژوهشگرانی که به این اثر استناد می‌کنند، به‌ویژه در بخش یادداشت‌ها، با احتیاط عمل کنند؛ زیرا گردآورنده در برخی از یادداشت‌ها، به اجتناف خود مطالب و شواهدی افزوده که به لحاظ علمی مجاز به انجام آن نبوده است. چند سال بعد استاد شفیع‌کدکنی زیر

نشست بازشناسی کتاب این کیمیای هستی، اثر دکتر شفیع‌کدکنی، روز یکشنبه ۲۵ فروردین‌ماه ۱۳۹۸، در مجموعه‌ی تالار حافظ، به همت مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد.

در این مراسم نخست دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی ضمن خوشامدگویی به حاضران و سپاسگزاری از سخنرانان جلسه، یادآور شد که در مراسم افتتاحیه‌ی بیست‌ودومین یادروز حافظ (۲۰ مهرماه ۱۳۹۷)، کتاب این کیمیای هستی رسماً رونمایی شد، اما در آن زمان امکان و مجال بررسی این کتاب نبود به همین دلیل مرکز حافظ‌شناسی نشست اختصاصی این اثر را در برنامه‌ی کاری خود قرار داد و هم‌اینک بسیار خرسندیم که به بهانه‌ی بازشناسی کتاب این کیمیای هستی گردهم آمده‌ایم.

مدیر کرسی پژوهشی حافظ، درخصوص کتاب این کیمیای هستی با اشاره به اینکه، مطالب این کتاب در سه جلد و نزدیک به ۱۳۰۰ صفحه (۱۲۸۰ صفحه)، ازسوی انتشارات سخن، در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است، گفت: البته آقای دکتر شفیع‌کدکنی وعده‌ی تألیف جلد چهارم و پنجم این کتاب را هم داده‌اند.

وی افزود: به دلیل ماهیت این کتاب که برخی مطالب آن پیش از این به گونه‌ای پراکنده در آثار دیگر آقای دکتر شفیع‌کدکنی آمده است، مباحث گاهی به‌ناگزیر تکرار شده و استاد شفیع‌کدکنی در مقدمات، از این ناگزیری تکرار چندین بار سخن گفته‌اند. اما بازهم مطالب خواندنی دیگری در این مجموعه وجود دارد؛ از آغاز جلد نخست که آقای دکتر



حافظ‌شناسی خواند و مطالعه‌ی بردبارانه‌ی آن را به همه‌ی دانشجویان و علاقه‌مندان شعر حافظ توصیه کرد.

دکتر منیژه عبدالهی دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز، آخرین سخنران این نشست بود. وی با استناد به کتاب این کیمیای هستی گفت: استاد محمدرضا شفیع‌کدکنی برای این باور هستند که در بوطیقای حافظ معانی بر بیان مقدم است. (این کیمیای هستی، ج ۲، ص ۱۱۳) به نظر می‌رسد این مفهوم و این عبارت درباب سه جلد کتاب این کیمیای هستی که حاصل تقریرات ایشان در سلسله درس‌گفتارهای حافظ‌شناسی است، نیز صادق است. به دیگر سخن، کتاب این کیمیای هستی فارغ از رسم و رسوم رایج در تألیف کتاب‌های تحقیقی و پژوهشی، تنها به معنا و مفهوم و محتوا نظر دارد و در پرداخت معانی حافظانه هیچ آدابی و ترتیبی نمی‌جوید. از این‌رو کسانی که در جست‌وجوی متنی منسجم و تحقیقی در خصوص شعر حافظ هستند، نمی‌توانند خواسته و مطلوب خود را در این کتاب بیابند. از سوی دیگر اما، کتاب کام و مراد حافظ‌دوستانی را که می‌خواهند چندی با مضامین، واژه‌ها، ترکیب‌ها و اندیشه‌های حافظ، بی‌واسطه، سرکنند و خاطر خوش دارند، برآورده می‌کند و ذوق ادب‌دوستانی را برمی‌انگیزد که می‌خواهند چندی بی‌مزاحمت سخت‌گیری‌های نوشته‌های رسمی، در فضای شعر حافظ نفسی تازه کنند و احیاناً پروازی و فرازوفرودی حافظ‌وار را تجربه کنند.

نظر خود، چاپ جدیدی از این اثر به دست داده که به‌کلی با چاپ پیشین آن متفاوت است. چاپ اخیر که یک‌بار در سال ۱۳۹۶ و بار دیگر در سال ۱۳۹۷ به‌وسیله‌ی انتشارات سخن در سه جلد منتشر گردیده است.

وی در ادامه به معرفی هریک از سه جلد کتاب یادشده پرداخت و گفت: جلد اول از این چاپ، به بوطیقا یا شعرشناسی حافظ اختصاص یافته که مجموعه‌ای از مقالات کوتاه و بلند پیرامون شعرشناسی حافظ است. برخی از این مقالات برگرفته از دیگر آثار استاد و بعضی برای اولین بار است که منتشر می‌شود. جلد دوم شامل یادداشت‌های استاد در حوزه‌ی واژگان حافظ است که گونه‌ای مطالعه‌ی فیلولوژیک و واژه‌شناسی در شعر حافظ است و می‌تواند برای درک مفردات و مفاهیم شعر حافظ، مفید و مغتنم باشد. جلد سوم کتاب، شامل درسنامه‌های حافظ از سال ۱۳۴۹ به بعد در درس حافظ‌شناسی استاد است که در دانشگاه تهران برگزار می‌شده و همچنان ادامه دارد. درنتیجه اثر حاضر ممکن است در آینده نیز گسترش یابد و چاپ مجلدات جدیدی از آن براساس تقریرات و یافته‌های علمی جدید ادامه پیدا کند و منتشر شود. بخش اخیر یعنی جلد سوم، با همکاری شمار بسیاری از شاگردان استاد نگاشته شده و هر قسمت از آن شیوه و نثر خاص خود را دارد و استاد تنها به ویرایش و نظارتی اجمالی بر این بخش اکتفا کرده است.

امامی در پایان سخنان خود، کتاب سه‌جلدی این کیمیای هستی را یکی از آثار بسیار مهم و مؤثر در حوزه‌ی

سیصدویست و دومین نشست حافظانه

نشست بازشناسی ترجمه‌ی پال اسمیت استرالیایی از دیوان حافظ

سیصدویست و دومین نشست از مجموعه نشست‌های مرکز حافظ‌شناسی، با عنوان بازشناسی کتاب ترجمه‌ی پال اسمیت استرالیایی از دیوان حافظ، روز دوشنبه ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۸، در آرامگاه حافظیه، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد.

این مراسم با سخنرانی دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ آغاز شد. وی ضمن خوشامدگویی به حاضران و سپاسگزاری از خانم دکتر زهرا طاهری، استاد دانشگاه ملی استرالیا که دعوت مرکز حافظ‌شناسی را برای سخنرانی در این نشست پذیرفتند، درخصوص اهمیت ترجمه گفت:

ترجمه‌ی مناسب و درست، دری است که به جهانی دیگر باز می‌شود و راهی است که معنا و مفهوم آثار ارزشمند ما را به ذهن و ضمیر دیگران منتقل می‌کند. ترجمه و سیله‌ای است که از طریق آن می‌توان خود را در دیگران گسترده. بی‌گمان اگر امروز

شش سال پس از پیوستن به مریدان مهربابا، پال اسمیت در سال ۱۹۷۱ کار برگرداندن دیوان حافظ به انگلیسی را شروع می‌کند و در طول دوازده سال ترجمه‌ی ۷۹۱ شعر را به‌تمام می‌رساند. خودش معتقد است که اولین کسی است که فرم درست غزل را به انگلیسی سروده است و از قول یکی از دوستان حافظ‌شناسش می‌نویسد که این ترجمه ۹۹ درصد حافظ است و ۱ درصد پال اسمیت.



اولین کسی که ترجمه‌ی دیوان حافظ را از او می‌خرد، جودیت رایت یکی از معروف‌ترین شاعران استرالیاست. او بعد از آشنایی با حافظ و با الهام از شعرهای او، مجموعه‌شعری به نام غزل چاپ می‌کند. پال اسمیت هم بعد از آن ۳۰ کتاب، مقاله، نمایشنامه، داستان، داستان‌های رادیویی و کتاب کودکان براساس زندگی حافظ نوشته است. یک رمان سه‌جلدی هم براساس شرح حال حافظ نوشته که نوشتن آن ۱۴ سال طول کشیده و بعداً به‌صورت نمایشنامه درآمده و در دهه‌ی نود در استرالیا اجرا شده است. موسیقی متن این نمایشنامه را جان راس موسن که موسیقی‌دانی بسیار پراوازه‌ای است، نوشته و اخیراً هم اسمیت مجموعه‌ی شعری چاپ کرده که آغاز هر شعرش مطلع غزلی از حافظ است.

دکتر طاهری، افزود: پال اسمیت خود شاعر است و با ادبیات آشنایی نزدیکی دارد. آشنایی‌اش با حافظ را مدیون مراد خود، مهربابا است. پس از خواندن نوشته‌های مهربابا که معتقد بود تا آن زمان کسی نتوانسته است حافظ را از طریق ترجمه، به انگلیسی‌زبان‌ها بشناساند، پال اسمیت با مقاله‌ها و ترجمه‌های مسعود فرزاد آشنا می‌شود. در یکی از این مقالات مسعود فرزاد می‌نویسد: «دیوان حافظ منتظر یک شاعر انگلیسی‌زبان است که با یک پژوهشگر حافظ‌شناس ایرانی همکاری کند تا بتواند شعرهای حافظ را به انگلیسی ترجمه کند. چون یک انگلیسی‌زبان، توانایی شناخت ظرافت‌های زبان شعر حافظ را نمی‌تواند داشته باشد و یک فارسی‌زبان هم نمی‌تواند ترجمه‌ی خوبی براساس ظرافت‌های زبانی انگلیسی به‌دست بدهد».

پال اسمیت به جمع‌آوری ترجمه‌های دیوان حافظ به انگلیسی می‌پردازد و در طول هشت سال تمام ترجمه‌های دیوان حافظ به انگلیسی را می‌خواند. از سال ۱۹۰۵ تا زمان ترجمه‌ی دیوان حافظ، پال اسمیت در سال ۱۹۸۶ بیش از ۶۰ برگردان دیوان حافظ به انگلیسی چاپ شده است که او همه را می‌خواند. وی می‌نویسد که برایش امکان اینکه زبان فارسی را در حد شعر حافظ یاد بگیرد وجود نداشته و برای نزدیک‌شدن به جهان شعر فارسی، نیاز به حداقل ده سال آموزش زبان فارسی داشته است، که بتواند یک ترجمه‌ی تحت‌اللفظی مانند دیگران به‌دست بدهد. دو سال از وقتش را هم به یادگرفتن سرودن غزل به انگلیسی سپری می‌کند، اما هنوز اسباب بزرگی خود را مهیا نمی‌بیند. اسمیت می‌نویسد که شبی در یاس و نومیدی و حالتی که می‌تواند آن را «دل‌تنگی برای خدا» بنامد در حالی شبیه به خلسه قلم به دست می‌گیرد و شعری می‌سراید و راضی از آنچه سروده است، فردا تمام ترجمه‌های موجود غزل «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند» را جمع و کار ترجمه را شروع می‌کند. در طول یک سال و نیم پس از شروع ترجمه، ۱۵۰ غزل را به انگلیسی برمی‌گرداند، اما تلاش و کم‌وکاستی‌ها و فرسودگی روحی باعث می‌شود که کار ترجمه را رها کند. در همان زمان در گوش جانش ندایی می‌شنود که می‌گوید: «تو تا به حال این کار را برای خودت کرده‌ای. از این به بعد این کار را برای من بکن. فقط یک بار دیگر امتحان کن و قلم را بردار. من تو را یاری خواهم کرد.» وقتی دوباره قلم به دست می‌گیرد، این او نیست که می‌نویسد، بلکه قلم خود به نوشتن روان است. برای تمام‌کردن کار ترجمه با بیم و امیدهای بسیاری دست‌به‌گریبان می‌شود و شبی هم حافظ را به خواب می‌بیند در باغ گل سرخی که در اطراف مزار اوست، از این خواب درمی‌یابد که طنز و ظرافت کلام حافظ را نادیده انگاشته و بعد از آن مدتی را به‌کارکردن روی جنبه‌های طنز و ظرافت‌های کلامی حافظ می‌گذراند. دکتر طاهری اظهار داشت: جان کلام پال اسمیت در پایان مقدمه‌اش بر دیوان حافظ این است که حافظ پیر روحانی او و تمام کسانی است که با شعرهایش فال می‌گیرند.

این نشست با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز برگزار گردید.



بزرگان ادبی ما در جهان شناخته‌شده و نام‌آورد، به همین دلیل است که آثارشان ترجمه شده است. اگر کسی مانند فیتزجرالد انگلیسی نبود، خیام این همه در جهان محبوبیت نداشت. درست است که ترجمه‌ی فیتزجرالد از خیام با خیامی که ما در ایران می‌شناسیم تفاوت‌های بسیار دارد، اما جهان غرب خیام را عموماً از طریق همین ترجمه‌ی فیتزجرالد می‌شناسد. اگر می‌شنویم آثار مولوی در چند سال اخیر از پرفروش‌ترین آثار جهان غرب و آمریکا است، یکی از دلایل این آوازه، ترجمه‌ای است که مثلاً کلمن بارکس از آثار مولانا داشته است و این در حالی است که نه کلمن بارکس و نه پال اسمیت و نه بسیاری دیگر از مترجمان آثار فارسی، با زبان فارسی و با ظرافت‌های ادبی این زبان آشنایی ندارند. درواقع آن‌چه از طریق ترجمه به نام اشعار حافظ یا خیام یا مولانا در جهان منتشر و خوانده می‌شود با حقیقت این اشعار فاصله‌ی بسیار دارد. اما از سوی دیگر، هیچ چاره‌ای هم نیست جز تلاش برای ترجمه و البته تلاش برای ترجمه‌ی صحیح.

وی افزود: شعر، به‌ویژه اشعار حافظ که پراز ایهام و معانی چندپهلوست و شعری ست لایه لایه و تودرتو، هرگز تن به ترجمه نمی‌دهد و آن‌چه از صافی ترجمه می‌گذرد، بخش بسیار اندکی از آن شعر واقعی است.

برای ترجمه، هم شناخت شایسته‌ی زبان مبدأ ضروری است و هم شناخت شایسته‌ی زبان مقصد. اگر یک اثر ادبی فاخر مثل شعر حافظ که پراز پیچیدگی‌های زبانی است، بخواهد ترجمه شود، افزون بر آشنایی با زبان فارسی، نیازمند درک ظرافت‌های زبانی و بیانی شعر حافظ هم هست. کدام متن ادبی است که از چنین بختیاری بهره‌مند باشد که مترجم آن متن هم بر زبان مبدأ، هم بر زبان مقصد و هم به روح اثر ادبی تسلط داشته باشد و آن را به درستی درک کند؟ با این همه، کسی مانند فیتزجرالد به دلیل ذوق شعری و آشنایی با ذائقه‌ی مردم مغرب‌زمین ترجمه‌ای را که به نام خیام منتشر کرد چون با ذائقه‌ی مردم سازگار بود، مشهور شد و خوانندگان بسیاری یافت. کسی مانند کلمن بارکس که خودش زبان‌شناس و شاعر است و کسی مثل پال اسمیت که شاعر است، به دلیل همین ذائقه‌ی شعری، اگر زبان مبدأ را هم نشناسند، چون زبان مقصد را خوب می‌دانند، اگر ترجمه‌ی مناسبی فراهم آورند، ترجمه‌ی آن‌ها در زبان مقصد علاقه‌مندان بسیاری می‌تواند داشته باشد. با این همه، همیشه باید به یاد داشته باشیم که این ترجمه‌ها با اصل اثر که در زبان مبدأ پدید آمده است، بسیار فاصله دارد.

سپس دکتر زهرا طاهری، استاد دانشگاه ملی استرالیا و سخنران این نشست، به شرح حال و زندگی پال اسمیت پرداخت. این استاد دانشگاه نخست تاکید کرد: برای دریافتن درک و دانش پال اسمیت از حافظ و شعرش، باید دید که او از چه زاویه‌ای به حافظ می‌نگرد؟ حافظ از دیدگاه او چگونه انسانی است و شعر حافظ را حاوی چه پیامی می‌داند؟ باید دید که پال اسمیت کدام بُعد حافظ را می‌شناسد و از کدام بُعد غافل مانده است؟

به گفته‌ی وی پال اسمیت در سال ۱۹۶۵ در یک سفر دریایی از بمبئی به ایتالیا، با مردی آشنا می‌شود که تازه به خیل مریدان «مهربابا» پیوسته بود. پس از یک سال بررسی زندگی و تعالیم مهربابا، اسمیت به‌گروه مریدان او می‌پیوندد، طریق او را پیشه می‌کند و او را به‌عنوان پیرروحانی خود برمی‌گزیند. در دوران خواندن «مقالات» مهربابا، اسمیت با نام و شرح حال حافظ آشنا می‌شود. مهربابا (۱۸۹۴-۱۹۶۹) اصالتاً ایرانی است و نامش مروان شهریار ایرانی است. او در یک خانواده‌ی زرتشتی ایرانی در هند به دنیا آمده، در ۱۹ سالگی به تحولات روحانی رسیده و پس از هفت سال سلوک تحت ارشاد پنج مرشد روحانی، خود را رهبر روحانی‌ای که تجسم حضور خدا در زمین است، می‌دانست. او در ۲۷ سالگی مکتب روحانی خود را بنا نهاد و مریدان و پیروان بسیاری به او اعتقاد آوردند. از ۳۰ سالگی سکوت اختیار کرد و از طریق الفبا و اشارات دست با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد. روزه و چله‌نشینی از اصول تعالیم او بود و در جمع بزرگ پیروانش از آل. اس. دی و داروهای مخدر دیگر استفاده می‌کرد. مهربابا شیفتگی غریبی به حافظ داشت و در شرح حال او نوشته است که حافظ، بزرگ‌ترین شاعر روی زمین است؛ اما هنوز کسی نتوانسته است شعرهایش را به انگلیسی ترجمه کند.

سیصدوبیست و سومین نشست حافظانه

سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و کاربرد آن در شعر حافظ

سیصدوبیست و سومین نشست مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ با عنوان «سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و کاربرد آن در شعر حافظ» در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۳۹۸، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادب فارسی دانشگاه شیراز، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و هنر فارس، در سالن چمران دانشگاه شیراز برگزار گردید.

در این مراسم نخست دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی ضمن خوش‌آمدگویی به حضار و سیاست‌گذاری از دکتر مولودی، به زحمات سپاس‌برانگیز استاد خدایپرستی اشاره کرد و گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی‌ی دانشگاه شیراز را از پیشگامان ایجاد پیکره‌زبان فارسی دانست.

دکتر حسن‌لی به اهمیت منابع پایه‌ای همچون پیکره‌های زبانی برای مطالعات مختلف پرداخت و افزود: پیکره‌های زبانی امروزه با فناوری‌های جدید که امکان جستجوهای متنوع را می‌دهد، این منابع پایه‌ای و این داده‌های زبانی را بسیار کاربردی‌تر از گذشته کرده‌اند.

وی ایجاد و گسترش پیکره‌های زبانی را همچون سرمایه‌های خام اولیه و معادن عظیمی دانست که نه تنها در تحلیل‌های زبانی ارزشمندند بلکه برای بسیاری از تولیدات زبانی و ادبی نیز کارآمد و گره‌گشا هستند.

ایشان گفت: اگر این بانک‌های پیکره‌ای از محدوده‌ی واژگانی فراتر برود و ساختارهای نحوی و حتی کارکردهای هنری را هم فراگیرد، در توصیفات زبانی و در تحلیل‌های اجتماعی زبان هم دستگیر پژوهشگران خواهد بود.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی بیان داشت: با داشتن پیکره‌ی کامل زبانی از متون گذشته‌ی دیگر برای توصیف و تحلیل رفتارهای حافظ با زبان فارسی نیازی به فیش‌نویسی و صرف وقت بسیار برای گردآوری اطلاعات نخواهیم داشت. چون همه‌ی این اطلاعات در همان منابع و بانک‌های پیکره‌های گردآوری شده است.

در ادامه‌ی این مراسم دکتر امیرسعید مولودی، استاد زبان‌شناسی دانشگاه شیراز به سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و شیوه‌ی کاربری آن در اشعار حافظ پرداخت.



ایشان با بیان این مقدمه که با ظهور زبان‌شناسی پیکره‌ای در دهه‌ی ۶۰ غالباً تحلیل‌های دستی جای خود را به تحلیل‌های رایانه‌ای داده‌اند، گفت: تمرکز زبان‌شناسی پیکره‌ای روی روش‌ها و فرایندهای مطالعه‌ی زبان است و این حوزه‌ی مطالعاتی با مجموعه‌ای از متون الکترونیکی ماشین‌خواندنی به نام پیکره سرو کار دارد.

وی گفت: پیکره‌ها دارای انواعی چون خاص، عام، تاریخی، موازی، به‌روزشونده، چندزبانه و زبان‌آموز هستند و نرم‌افزارهای واژه‌نما/واژه‌یاب نمونه‌ای از این ابزارها هستند که امکانات متعددی همچون نمایش واژه در بافت متنی، ارائه‌ی فهرست بسامدی واژه‌های متن، نمایش هم‌آیندهای موجود در متن، مشخص کردن کلیدواژه‌های متن و ارائه‌ی خوشه‌های واژگانی را برای کاربران فراهم می‌کنند. بنابراین با داشتن چنین نرم‌افزارهایی می‌توان به مطالعات زبانی کمی و کیفی پرداخت.

دکتر مولودی افزود: در سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد، به‌منظور شناسایی سبک نگارش نویسنده، روش‌های دستی و ماشینی با یکدیگر تلفیق شده، تمامی مؤلفه‌های متن استخراج می‌گردد.

وی گفت: از جمله مواردی که توسط ماشین و به‌صورت خودکار صورت می‌پذیرد، محاسبه‌ی هم‌آیندها، خوشه‌های واژگانی، فهرست بسامدی واژه‌ها و کلیدواژه‌های متن است. مواردی که عمدتاً به‌صورت دستی و بعضاً به‌صورت ماشینی و خودکار صورت می‌گیرد نیز، شامل برچسب‌زنی صرفی، نحوی و معنایی می‌شود؛ به این معنی که اطلاعات صرفی، نحوی و معنایی تمامی واژه‌های متن، توسط انسان یا موتورهای برچسب‌زن خودکار به پیکره‌ی متنی اضافه می‌شود. با در اختیار داشتن داده‌ی برچسب‌خورده در سه سطح گفته‌شده و داشتن یک نرم‌افزار واژه‌نما، می‌توان فهرست برچسب‌های صرفی و ساخت‌های نحوی و معنایی متن را به همراه فراوانی وقوعشان در متن شناسایی نمود و به تصویر دقیقی از سبک نویسنده دست یافت.

استاد دانشگاه شیراز تأکید کرد: روش نام‌برده را می‌توان برای هر اثری اعمال کرده و سبک نگارش آن را شناسایی نمود. بنابراین می‌توان این شیوه‌ی نوین مطالعاتی را بر روی متن الکترونیکی اشعار حافظ نیز به کار بست و سبک نگارش آن را براساس وجوه متعدد ذکرشده مشخص نمود. ایشان تأکید کرد، برای دستیابی به این مهم، نخست باید داده‌های الکترونیکی غزلیات حافظ و همچنین همه‌ی شاعران هم‌عصر او تعیین شود. به این معنا که شناسنامه‌ی هر غزل به‌طور کامل مشخص شود. سپس داده‌های موردنظر در سه سطح صرف، نحو و معنا برای مسائلی که بررسی می‌کنیم، مشخص گردد. همچنین برچسب‌هایی که برای دیگر صناعات ادبی می‌شناسیم، باید مشخص شود تا به نتیجه‌ی مطلوبی برای انجام سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد روی متن الکترونیکی اشعار حافظ دست یافت.

سیصدوبیست و چهارمین نشست حافظانه

یادمان «شادروان استاد هاشم جاوید»

در آن‌ها افزود: همه‌ی نویسندگان و پژوهشگران بزرگ، مانند استاد جاوید، آثار تحقیقی خود را پس از مطالعات بسیار و در دوران پختگی عرضه کرده‌اند.

دکتر رستگاری به کتاب ارزشمند حافظ جاوید (چاپ اول ۱۳۷۵ - نشر فرزانه‌روز) اشاره کرد و گفت: دقت و ایجاز قلم نویسنده و شیوه‌ی

سیصدوبیست و چهارمین نشست حافظانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، به «یادمان شادروان استاد هاشم جاوید» اختصاص یافت و با حضور جمعی از دانشگاهیان، اهالی فرهنگ و هنر و خانواده‌ی محترم جاوید برگزار شد.

یادمان «شادروان استاد هاشم جاوید» در یکمین سال درگذشت او،



تقریر پلکانی در نگارش مقالات، از شگردهای خاص مرحوم جاوید بوده است؛ در صورتی‌که هریک از مقالات کوتاه این کتاب که راهگشای مطالعات حافظ‌پژوهی است، می‌توانست با حواشی و تفصیلی ملال‌آور نوشته شود.

ایشان در ادامه به دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی ذیل مدخل حافظ جاوید اشاره کرد و گفت: در این کتاب آمده است که کتاب حافظ جاوید حاوی ۱۱۰ مقاله است؛ در حالی‌که چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۷۷ با اصلاحات و الحاقات فراوان منتشر شد و تعداد مقالات کتاب به ۱۲۱ رسید.

وی در پایان به دیوان حافظ (چاپ اول ۱۳۷۸ - نشر فرزانه‌روز) پرداخت که براساس قرائت‌گزینی انتقادی از میان تصحیح‌های معتبر پیشین به‌چاپ رسیده و مصححان افزون‌بر روایت نسخ و دگرسانی‌های شعری، به‌مسأله‌ی درایت و درست‌خوانی شعر هم نظر داشته‌اند.



خانم لادن چالاک از نزدیکان مرحوم هاشم جاوید نیز، آخرین سخنران

این نشست بود که درباره‌ی مرحوم هاشم جاوید گفت: استاد هاشم جاوید، در برابر بحران‌های اخلاقی جامعه‌ی معاصر حساس بود و هشدار می‌داد. او هنرمندی متعهد بود. تعهدی بزرگ برای حفظ اخلاقی که می‌پنداشت در جهان معاصر رو به فناست. هاشم جاوید می‌گفت و اصرار می‌ورزید که وظیفه‌ی تک تک ما حفظ و نگه‌داشتن ارزش‌هاست.

ایشان افزود: استاد جاوید همواره تأکید می‌کرد که تنها چیزی که امکان تکامل معنوی انسان را فراهم می‌کند، هنر است.

به همت مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادب فارسی در تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۹۸ در سالن چمران دانشگاه شیراز برگزار شد.

در این مراسم نخست آقای دکتر کاووس حسن‌لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، ضمن خوش‌آمدگویی به حضار، از استاد تازه درگذشته ناصر امامی یاد کرد و گفت: ناصر امامی، از جمله افرادی است که سهم بزرگی در شناسنامه‌ی فرهنگ و ادب فارس دارد.

ایشان با ابراز تأسف از عروج بزرگان و شخصیت‌های نامدار فارس، اضافه کرد: همگان از اینکه این بزرگان از دست‌رفته جایگزین داشته باشند، تردید دارند.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی، استاد هاشم جاوید را از سرمایه‌های عظیم و گرانبمای شیراز خواند و افزود: اگر حتی تنها کتاب حافظ جاوید از ایشان باقی مانده بود؛ ما را به تعظیم و سپاس در برابر دانش و اندیشه‌ی او وامی‌داشت.

در ادامه آقای دکتر رضا رستگاری، پژوهشگر دوره‌ی پس‌ادکتری کرسی پژوهشی حافظ، اشاره‌ای کوتاه به زندگی مرحوم



جاوید کرد و به معرفی آثار مرحوم جاوید پرداخت که شامل اشعار، مقالات چاپ‌شده در مجلات قدیم، کتاب حافظ جاوید و تصحیح دیوان حافظ با همکاری استاد بهاء‌الدین خرمشاهی است.

ایشان ضمن اشاره به اهمیت بازخوانی متون گذشته و درنگ و دقت

کنفرانس دویستمین سال انتشار «دیوان غربی شرقی» گوته

علی رجایی: استادیار دانشگاه اراک



حافظ را هم برعهده داشت، در این کنفرانس حضور پیدا کرد و حاصل پژوهش خود را با موضوع «حافظ در آلمان و گوته در ایران» ارائه نمود. مقاله‌ای که در ادامه می‌خوانید، مختصری از آن پژوهش، به قلم ایشان است.

«دیوان غربی شرقی» گوته که در سال ۱۸۱۹ منتشر شده است، دویست ساله شد. به همین مناسبت، مهم‌ترین پایگاه تحقیقات ادبی آلمان، یعنی مرکز گوته‌شناسی آلمان «Goethe-Gesellschaft» همایشی بین‌المللی، در شهر وایمار Weimar آلمان، محل آرامگاه گوته (معروف به خواهرخوانده‌ی شیراز)، برگزار کرد. این کنفرانس که در روزهای ۲۲ تا ۲۶ خردادماه سال ۱۳۹۸ برگزار شد، نشست‌های ادبی و پژوهشی خود را با محوریت «دیوان غربی شرقی» گوته، با مباحث مختلف و با حضور ادبا و پژوهشگران آلمانی و خارجی از سراسر جهان اجرا کرد. در این کنفرانس تعداد چشمگیری از دانشمندان، پژوهشگران، شرق‌شناسان بزرگ آلمانی‌زبان و همچنین نمایندگان از کشورهای مختلف جهان مانند فرانسه، سوئیس، آمریکا، چین، روسیه، اتحادیه اروپا، آرژانتین، کره جنوبی، بلغارستان و ایران حضور داشتند. از ایران، آقای دکتر علی رجایی، که نمایندگی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی

حافظ در آلمان و گوته در ایران ::::

حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

۱. حافظ در آلمان

اولین ترجمه‌ی کامل از دیوان حافظ به زبان آلمانی توسط هامر پورگستال Hammer-Purgstall در سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۲ در اتریش به چاپ رسید، که کمی بعد گوته Goethe (۱۷۴۹-۱۸۳۲) شاعر بزرگ آلمانی آن را دریافت کرد و نویسندگان فراوانی را تحت تأثیر خود قرار داد. آن چنان روح حافظ در وی اثر نمود که در ضمن مطالعه‌ی غزلیات حافظ، از طریق ترجمه‌ای نه چندان ادبی، مطالبی را کشف کرد که او را ترغیب به نگارش دیوان و اشعار جدید نمود. به‌زودی تعداد این تدبیرات میان فرهنگی و اشعار دلنشین و ارزشمند آلمانی، که خود نوعی گفت‌وگو با حافظ و هم‌زمان با تمامی مشرق‌زمین بود، چشمگیر و قابل انتشار شدند. چندسال بعد، یعنی در سال ۱۸۱۹ این نابغه‌ی عالی‌مقام زبان و ادبیات آلمانی با استعداد و درایت فراوان به عمق اندیشه‌های حافظ نفوذ کرد و به انتشار کتابی سرشار از اسرار و احوال پژوهشگرانه و نکات دلنشین عاشقانه به نام «دیوان غربی شرقی» پرداخت.

گوته حتی نام و واژه‌ی دیوان را به زبان آلمانی وارد کرد و به‌عنوان تیتیر مجموعه اشعار جدید خود، به رسم شعرای فارسی‌زبان، انتخاب نمود تا بر اهمیت آن در مقام پلی ادبی-فرهنگی و بین‌المللی میان شرق و غرب جهان تأکید کرده باشد. او دیوان خود را به ۱۲ فصل بزرگ تقسیم‌بندی کرد، که نام‌ها

و عناوین فارسی داشتند:

۱. مغنی‌نامه؛ ۲. حافظ‌نامه؛ ۳. عشق‌نامه؛ ۴. تفکرنامه؛ ۵. رنج‌نامه؛ ۶. حکمت‌نامه؛ ۷. تیمورنامه؛ ۸. زلیخا‌نامه؛ ۹. ساقی‌نامه؛ ۱۰. مثل‌نامه؛ ۱۱. پارسی‌نامه؛ ۱۲. خلدنامه.

گوته اولین شعر خود از فصل اول دیوان را «هجرت» نام نهاد، که موضوع و محتوای آن هجرت درونی و تخیلی شاعر به سرزمین شگفتی‌ها و اسرارآمیز داستان‌های هزارویک شب است، جایی که افکار همه‌ی نویسندگان دوره‌ی رمانتیک آلمان در آن عصر را تغذیه می‌کرد. در بسیاری از موارد، طراحی جلد دیوان در چاپخانه‌های آلمان ساختار دوزبانه‌ی غربی-شرقی و با نقوش و خط فارسی و آلمانی را نشان می‌دهد.

گرایش گوته به مشرق‌زمین و دیگر نویسندگان آن عصر، هم‌زمان نوعی کوچ درونی از حال‌وهوای نامساعد آن دوره در اروپای مشوش و درگیر ناملایمات بود. گوته با وضوح تمام خطاب به خواندگانش با شورو حال انتزاعی رمانتیک می‌گوید: «شمال و غرب و جنوب درهم می‌شکنند/ تاج و تخت‌ها فرومی‌ریزند/ کشورها به لرزه درمی‌آیند/ پس بیا و به مشرق‌زمین پناه ببر... تا چشمه‌ی خضرسیراب و جوانت کند...». این صراحت بی‌پهانه نبود، چون ناپلئون در همان سال‌ها قصد تسخیر کل اروپا را در سر می‌پوراند و حتی چندی قبل، در دوم اکتبر ۱۸۰۸، در آلمان با گوته دیدار و نشست مشترکی داشته است. این‌گونه موارد در زندگی گوته انسان را به یاد حافظ

Dichters Hafis, im persischen Original herausgegeben, 3 Bde., Wien 1858-1864-1863.

۳. ترجمه‌ی کامل دیوان حافظ توسط وهل‌لبن در سال ۲۰۰۴ میلادی (ترجمه به سبک نثر ساده)

Wohlleben, Joachim: Die Ghaselen des Hafiz. Neu in deutsche Prosa übersetzt, mit Einleitung und Lesehilfen. Königshausen & Neumann, Würzburg 2004.

بهترین ترجمه‌ی کامل از دیوان حافظ به زبان آلمانی، توسط روزن تسوایگ شواناؤ Rosenzweig-Schwannau مترجم خوش‌ذوق و آگاه به ادبیات ایران ارائه شده است، که به دلایل مختلف ادبی و ویژگی‌های ترجمه نزدیک‌ترین ترجمه به سبک و محتوای سروده‌های حافظ است. این ترجمه از نظر فرم و محتوا با سمع و نظر خواننده‌ی آلمانی همخوانی و همخوانی بهتری دارد و از دیرباز مقبول اکثر ایران‌شناسان، محققان و پژوهشگران آلمانی حافظ قرار گرفته است. با اینکه اکنون بیش از ۱۵۰ سال از عمر این ترجمه می‌گذرد، اما هنوز از محبوب‌ترین و کامل‌ترین ترجمه‌های حافظ به شمار می‌آید، چون علاوه بر محتوا، دارای ریتم و آهنگ و طنین شاعرانه‌ی یک‌دست و هماهنگی است، که تقریباً در سراسر دیوان رعایت شده و بسیاری از ابعاد هنرمندانه‌ی اشعار حافظ را منعکس نموده است. این ترجمه، تعداد زیادی از غزلیات و اشعار منسوب به حافظ را نیز دربرداشته و براساس نسخه‌ی معروف کلکته از حافظ، ترجمه و عرضه گردیده که حاوی ابیات فراوانی است و امروزه صاحب‌نظران معتقدند منتسب به حافظ است. چاپ جدیدی از این

می‌اندازد، چون حافظ هم در این چنین عصر و دوره‌ی پرتلاطمی می‌زیسته و دیداری با تیمور در شیراز از او در تاریخ به ثبت رسیده است. گوته مشابهت‌های فراوان فکری با حافظ در خود می‌بیند، به‌گونه‌ای که او را در شعری پرمحتوا «برادر دوقلوی» خود خطاب می‌نماید. * گوته چندسال پس از انتشار دیوان خود، به دلیل سوالات و ابهامات مختلفی که درخصوص برخی اشعار در جامعه‌ی ادبی آلمان مطرح گردید، در پی پاسخ‌گویی حکیمانه برآمد و در سال ۱۸۲۷ کتاب جدیدی با عنوان «ملحقات دیوان» برای درک و برداشت صحیح و بهتر از دیوان با محتوای توضیحی و نقد و بررسی ادبی‌تاریخی و سرگذشت ادبا، شعرا و حاکمان مشرق‌زمین منتشر کرد. امروزه اغلب این دو کتاب با هم در یک جلد به چاپ می‌رسند.

دیوان حافظ در زبان آلمانی دارای چندین و چند ترجمه است، که اغلب برگزیده و گلچینی از غزلیات حافظ هستند، اما تاکنون سه ترجمه‌ی کامل از دیوان حافظ به زبان آلمانی در دهه‌های مختلف ارائه شده است:

۱. ترجمه‌ی کامل دیوان حافظ توسط هامر-پورگستال در سال ۱۸۱۳ میلادی، (ترجمه به سبک نثر ساده). Hammer-Purgstall, J. F. von: Der Divan von Mohammad Shemsed-din Hafis; 2 Bde., Tübingen 1812/13.
۲. ترجمه‌ی کامل دیوان حافظ توسط روزن تسوایگ در سال‌های ۱۸۶۴-۱۸۶۳. در سه جلد، (ترجمه‌ی موزون، آهنگین و دقیق به سبک اشعار کلاسیک آلمانی). Rosenzweig-Schwannau, V. R. v.: Diwan des großen lyrischen



ترجمه در سال ۱۳۹۲ در ایران، در اختیار علاقمندان هر دو زبان قرار گرفته است، که با دیوان حافظ تصحیح غنی-قزوینی هم‌خوان گردیده و کاملاً مطابقت می‌نماید و مشکلات غزلیات منتسب نیز در آن برطرف شده است.

نزدیک‌ترین ترجمه‌ی آلمانی به غزلیات حافظ، مجموعه‌ی برگزیده و منتخب ۸۶ غزل از حافظ است، که توسط فریدریش روکرت Friedrich Rückert و به شکل و فرم غزل فارسی ارائه شده است. این شرق‌شناس مشهور که از نابغه‌های ترجمه در دنیا بشمار می‌رود، برای اولین بار قالب شعری غزل را به خواننده‌ی آلمانی‌زبان معرفی کرده و ترجمه‌ی وی از دقیق‌ترین ترجمه‌ها به متن اصلی به شمار می‌آید، او خود شاعری توانا و از هم‌عصران گوته بوده و از پیشگامان غزل‌سرایی به زبان آلمانی محسوب می‌شود و صاحب ترجمه‌های فراوانی از ادبیات و شعرای مشهور ایران زمین است که در نوع خود کاملاً بی‌نظیر هستند.

۲. گوته در ایران

ترجمه‌های «دیوان غربی شرقی» گوته به زبان فارسی در ایران؛ دیوان گوته با آن همه تأثیراتی که بر پهنه‌ی وسیع ادبیات در مغرب‌زمین و به‌ویژه در بین شرق‌شناسان غربی داشت، خیلی دیر به سرزمین حافظ رسید. پس از سال‌ها، تازه در سال ۱۳۲۸، برگزیده‌ای از دیوان گوته و آن هم از زبان فرانسه، توسط مترجمی به نام شجاع‌الدین شفا به فارسی‌زبانان ارائه شد. این ترجمه به نثر ساده و بعضاً با توضیحاتی همراه است.

سال‌های متمادی می‌بایستی خوانندگان فارسی فقط به این نسخه از اثر گوته بسنده کنند، تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۷۹، ترجمه‌ی کاملی از دیوان توسط متخصص زبان آلمانی، دکتر کوروش صفوی در ایران منتشر شد. این استاد زبان آلمانی در پیشگفتار طولانی خود، ابتدا به شرح حال زندگی گوته پرداخته و پس از توضیحاتی پیرامون علل پیدایش «نهضت غوغا و تلاش» نکات متعددی را درخصوص دیوان گوته به اطلاع علاقمندان رسانده است. دکتر صفوی، فقط دیوان و اشعار گوته را ترجمه نموده، نه «ملحقات» آن را، که خود کتابی توضیحی درخصوص دیوان نگاشته شده توسط شخص گوته است.

تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۸۳ «دیوان غربی شرقی» گوته به همراه «اشعار به‌جامانده» از گوته و «تعلیقات» آن، در یک جلد توسط استاد زبان و ادبیات آلمانی، دکتر محمود حدادی، به عرصه‌ی ترجمه‌های ادبیات جهانی به زبان فارسی راه یافت. این مترجم حساس و آگاه، اشعار موزون و کلاسیک

گوته را نه به شعر معادل کلاسیک و نه به نثر ساده، ولی به‌نوعی همانند اشعار مدرن و بعضاً دارای آهنگ و ریتم درونی ترجمه کرده است. نکته‌ی شایان توجه اینکه، دکتر حدادی کتاب «یادداشت‌ها و مقالات برای فهم بهتر «دیوان غربی شرقی» را نیز در کنار آن ترجمه و منتشر نموده است که با حجم حدود ۲۰۰ صفحه، به درک این اثر کمک شایانی می‌نماید؛ زیرا با این توضیحات است که متوجه می‌شویم، دانسته‌های گوته و عصر او از شعرای پارسی‌زبان، ادبیات، تاریخ ادبیات و فرهنگ کهن ایران در آن زمان تا چه میزان بوده است.

با وجود این تلاش‌های ارزشمند، درحالی‌که معتقدیم آثار عظیم و شاخص ادبیات کلاسیک و برترین الگوهای ادبیات جهانی، مثل آثار حافظ، گوته، مولانا، شکسپیر و دیگران اصولاً «ترجمه‌ناپذیر» است؛ اما با این حال این راهکار مسیر ناگزیری برای رهیافت به اندیشه‌های این بزرگان عرصه‌ی ادبیات و فرهنگ جهانی و شناخت این چهره‌های همیشه ماندگار بشریت است. امیدواریم که با ترجمه‌های جدید از متون برتر ادبیات جهانی و به‌ویژه از آثار برندگان جوایز نوبل ادبی جهان، که هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند، بتوانیم روزبه‌روز شاهد رشد بیش‌تر ارتباطات ادبی فرهنگی، توسعه‌ی ادبیات تطبیقی و تقویت ساختارهای تعامل و گفت‌وگوی سازنده، مفید و مؤثر در میان بزرگان ادب باشیم، تا مدام بر آثار افتخارآمیز ملت‌هایمان نیز افزوده شود و همانند ادبیات درخشان کلاسیک خود، سهمی عمده در تعالی فرهنگ بشری ایفا نماییم.

۳. «دیوان غربی شرقی» گوته ۲۰۰ ساله شد:

در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۱۹ که سال انتشار دیوان گوته و سال ۲۰۱۹ که در حال حاضر در آن به‌سرمی‌بریم، اکنون دیوان گوته دویست (۲۰۰) ساله شده است. در دوران ادبیات کلاسیک آلمان، شهر وایمار Weimar به مرکزیت و پناهگاهی عظیم برای پذیرش شعرا و نویسندگان از سراسر آلمان تبدیل شد، چون در دیگر مناطق آلمان اغلب شعرا و منتقدین اجتماعی و ادبی مورد

گفت‌وگوی ادیبانه، حکیمانه و عاشقانه را در عمل به‌کار بسته و الگویی ماندگار چون دیوان خلق نموده است. شایان ذکر است، در زبان فرانسه ۱۱ ترجمه‌ی مختلف از دیوان گوته وجود دارد.

در این شرایط حساس جامعه‌ی بشری امیدواریم شعرا و اندیشمندان شرقی نیز، همچون علامه اقبال لاهوری در مقام مراوده با این اثر برآیند و یا نمونه‌های جدیدی در باب اهمیت تعاملات فکری و میان‌فرهنگی شرق و غرب ارائه نمایند. موضوعی که هرگز کهنه نخواهد شد و در همه‌ی قرن‌ها و زمان‌ها قلب‌های عاشق بشریت را جاودانه به هم پیوند خواهد زد. این‌گونه نمادها همواره اسناد افتخارآمیز چنین گفت‌وگو‌هایی بین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها هستند.

تفکرات «جهان‌وطنی» یا «Weltbürgertum» در آن زمان از ویژگی‌های خاص بزرگان ادب آلمان بود، چون افرادی مانند گوته و شیلر و بسیاری دیگر که این دو شاعر جهانی را الگوی خود قرار داده بودند، سراپا گوش بودند تا آموزه‌های آنان را به مرحله‌ی عمل درآورند. به‌همین خاطر هم بود که نهضت ترجمه در آلمان در آن عصر به اوج شکوفایی و ارزش فرهنگی ادبی خود رسید. آثار فاخر و عظیم ادبیات جهانی، متعلق به تمامی دوره‌ها و ملت‌ها هستند و هر فرهیخته‌ای از مطالعه‌ی آن‌ها لذت معنوی خاص خود را می‌برد و آن‌ها را در شمار آثار ملی خود محسوب می‌کند. به‌همین دلیل هم، دیر یا زود و حتی در زمان حیات آن شهروندان بی‌نظیر و فرزندان آسمانی این جهان خاکی، آوازه‌ی شهرت، دانایی، عظمت و توانمندی‌هایشان فراتر از حیطه‌ی محل زندگیشان به دروازه‌های هند و روم و حجاز و وایمار و به سمع و نظر افلاکیان و قدسیان می‌رسیده است.

کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف عروسان سخن شانه زدند
Sey das Wort die Braut genannt,
Bräutigam der Geist;
Diese Hochzeit hat gekannt
Wer Hafisen preist. *

علی رجایی

مشاور مرکز حافظ‌شناسی

پیگرد واقع می‌شدند و اشراف‌زاده‌ی سخاوتمند و فرهنگ‌دوست آن زمان که بر این منطقه از آلمان حکومت می‌کرد، به جذب و پرورش چهره‌های شاخص ادبی، علمی، فرهنگی در آنجا پرداخت. خانم آنا آمالیا Anna Amalia (۱۷۳۹-۱۸۰۷) در آن زمان، یکی از مهم‌ترین مراکز تحقیقی و کتابخانه‌ای را پایه‌گذاری کرد که امروزه از معروف‌ترین آن‌ها در جهان به‌شمار می‌رود. گویا با تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر، توسط علاقمندان به حافظ و گوته در ایران و آلمان انجام شده است، این شهر ادیب‌پرور، خواهرخوانده‌ی شیراز نیز محسوب می‌شود.

حدود ۲۰۰ سال قبل بود که گوته در مصاحبه‌ای مهم با اکرمان Eckermann در تاریخ ۳۱/۰۱/۱۸۲۷ میلادی درباره‌ی دیوان خود و پیرامون مفهوم ادبیات، نکات ارزنده و ماندگاری را بیان کرد که پایه‌های نهضت «ادبیات جهانی» را ریخته و از جمله افتخارات ادبیات آلمان محسوب می‌شود. گوته در این مصاحبه، به نکته‌ای اشاره کرده است که از آن تاریخ به بعد، توجه متفکرین وسیعی را به ادبیات جهانی معطوف داشته و رهروان فراوانی را مجذوب خود نموده است. وی در این گفت‌وگوی ادبی چنین بیان می‌دارد: «روزبه‌روز بیش‌تر با این موضوع مواجه می‌شویم که ادبیات به‌عنوان یک میراث مشترک بشریت مطرح است و این موضوع همه‌جا و در همه‌ی زمان‌ها در صدها و هزاران انسان تبلور می‌یابد، [...] به‌همین خاطر هم من شخصاً به پیرامون خود و به دیگر ملت‌ها می‌نگرم و به همه هم این توصیه را دارم که چنین کنند. ادبیات ملی امروزه، دیگر حرف چندانی برای گفتن ندارد، اکنون دوره‌ی ادبیات جهانی شروع شده است و هرکس بایستی تمام سعی خود را در این راستا به‌کار گرفته و تأثیرگذار باشد و به این دوره شتاب بیش‌تری بدهد».

گوته ۶۵ ساله بود که با دیوان حافظ آشنا شد و در مکاتباتش به دوستان خود نوشته است که پس از آشنایی با حافظ منقلب و بسیار فعال شده است، او سعی کرده به رقابت با حافظ برخیزد و برای هم‌فکران و هم‌عصران غربی خود، مسیر

کرسی پژوهشی حافظ



دکتر شیرین رزمجو بختیاری ::::

نخستین پژوهشگر پسادکتری
مرکز حافظ‌شناسی و
کرسی پژوهشی حافظ

وی از دانش‌آموختگان دکتری ادبیات عرفانی دانشگاه شیراز است که از آبان‌ماه ۱۳۹۶ به مدت یک سال طرح پسادکتری خود را با عنوان «بررسی، مقایسه و آسیب‌شناسی ترجمه‌ی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان از غزل‌های حافظ» به انجام رسانید.

طرح پسادکتری «بررسی، مقایسه و آسیب‌شناسی ترجمه‌ی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان از غزل‌های حافظ» بخشی از طرح گسترده‌ای است که کرسی پژوهشی «حافظ و ارتقای فرهنگی جامعه» در مرکز حافظ‌شناسی برای «ثبت جهانی حافظ» در سازمان یونسکو در دستور کار قرار داده است. یکی از اهداف این کرسی، جمع‌آوری مدارک و مؤلفه‌های مورد نیاز برای ثبت جهانی شعر حافظ به عنوان یکی از موارث فرهنگی و ادب ایرانی است.

این طرح به بررسی ترجمه‌های انگلیسی غزل‌های حافظ پرداخته است. در وهله‌ی اول این ترجمه‌ها به دو بخش ترجمه‌های فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان تقسیم شده‌است، تا تفاوت زبان و زوایای ترجمه‌ی این دونوع مترجمان تحلیل شود. حدود دو قرن است که در جهان غرب، توجه به شعر حافظ و ترجمه‌ی غزل‌های او آغاز شده‌است، بنابراین ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ فراوان است. در طرح حاضر، ترجمه‌ی فارسی‌زبانانی چون شهریار شهریار و عباس آریان‌پور تحلیل و با مترجمان انگلیسی‌زبانی

از سال ۱۳۹۶ از سوی بنیاد علم ایران (صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوریان کشور) به مدیر مرکز حافظ‌شناسی، کرسی پژوهشی حافظ اعطا شده است. اجرای طرح‌های پژوهشی کلان و جذب پژوهشگران پسادکتری، بخشی از برنامه‌های این کرسی است. مرکز حافظ‌شناسی، برای ارائه‌ی مشاوره و اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک با موضوع حافظ و

نیز جذب و تبادل پژوهشگر پسادکتری با مراکز معتبر علمی و دانشگاهی سراسر دنیا آماده همکاری است. متقاضیان می‌توانند طرح‌های پیشنهادی خود را به منظور بررسی و ارزیابی به نشانی ایمیل مرکز حافظ‌شناسی hafestudies@gmail.com ارسال کنند. همچنین دانش‌آموختگان دوره‌ی دکتری در گرایش‌های مرتبط با رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه‌های معتبر جهان، برای آگاهی از شرایط استفاده از بورسیه‌ی پسادکتری در مرکز حافظ‌شناسی و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند «دستورالعمل حمایت از دوره‌های پسادکتری» را از لینک: <http://en.insf.org/page/post+doctoral+fellowship> بارگیری و مطالعه نمایند. پژوهشگران واجد شرایط باید درخواست مکتوب و شناسنامه آموزشی پژوهشی خود را به مرکز حافظ‌شناسی ارسال کنند. هم‌اکنون دوره‌ی پسادکتری در کرسی پژوهشی حافظ فعال است.

ترجمه‌ی غزل‌های حافظ زیر ذره‌بین پژوهشگر مرکز حافظ‌شناسی

به ترجمه‌ی اشعاری از حافظ همت گمارده‌اند. بررسی این ترجمه‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها می‌تواند به فهم درست انگلیسی‌زبانان از شعر حافظ کمک شایانی کند. مهم‌ترین کارکرد این طرح می‌تواند در آینده، راهنمایی و راهگشایی برای مترجمانی باشد که به ترجمه‌ی دوباره‌ی شعر حافظ مبادرت خواهند ورزید.

همچنین براساس راهبرد کلان شماره‌ی ۹ در نقشه‌ی جامع علمی کشور، تعامل فعال و اثرگذار در حوزه‌ی

چون پل اسمیت، ویلبرفورس کلارک، رابرت بلای و لئونارد لوپسون مقایسه و مقابله شده است. از هر ترجمه ۱۰ تا ۱۲ غزل به عنوان نمونه (جمعاً ۵۳ غزل) انتخاب شد و سخت‌وسقم ترجمه‌ها، زبان مترجمان، میزان درک آن‌ها از شعر حافظ، تسلط به زبان مبدأ و مقصد و زوایای پنهان و آشکار ترجمه در آثار آنان بررسی و در نهایت، کاستی‌ها، موانع و دشواری‌های ترجمه‌ی شعر حافظ مشخص گردید. اگرچه تصور غالب این است که مترجمان فارسی‌زبان فهم بهتری از شعر حافظ دارند، ولی پس از بررسی و تحلیل ترجمه‌های این مترجمان، عیوب ترجمه‌ی آن‌ها که ناشی از دانش ناقص ادبی و اطلاعات ناکافی آن‌ها از زبان هنری حافظ بود، آشکار گشت. این مترجمان فارسی‌زبان، به صرف آگاهی از زبان مبدأ، بدون داشتن اطلاعات کافی از هنر و ادبیات، به ترجمه‌ی شاهکار ادبی چون دیوان حافظ مبادرت ورزیده‌اند. در این پژوهش رویکردهای متفاوت مترجمان در نظر گرفته شده است. اگر مترجمی تأکیدش بر زبان مقصد یا مبدأ بوده، در حین تحلیل بدان اشاره شده است و در این مورد جای هیچ اعتراض و انتقادی نیست؛ اما در مواردی که مترجم فهم ناقص و یا متناقضی از متن مبدأ داشته، به عنوان عیب ترجمه تذکر داده شده است. در این پژوهش، از نظریه‌ی آنتوان برمن، برای تحلیل ترجمه‌ها بهره برده و با استفاده از نظریه‌ی تحریف‌های معمول در ترجمه‌ی متون ادبی، ترجمه‌های دیوان حافظ نقد و تحلیل شده است. هدف از این طرح، بازشناسی علمی عوامل و موانع ترجمه‌ی مناسب از شعر حافظ است. ترجمه‌ی اشعار حافظ در جهان غرب، به ویژه در میان انگلیسی‌زبانان مورد اقبال فراوانی بوده است. به همین دلیل بسیاری از انگلیسی‌زبانان و فارسی‌زبانان، به صورت کامل یا گزیده

علم و فناوری با کشورهای دیگر، یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه‌ی پیشرفت علمی کشور محسوب می‌شود. بند اول از راهبردهای ملی این بخش بر توسعه‌ی زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های علمی در سطح جهانی تأکید کرده است. بند ۲۰ از اقدامات ملی راهبرد کلان شماره‌ی ۹ ترجمه‌ی منابع علمی ایرانی اسلامی و ارسال کتب فارسی مرجع حاوی تولیدات و نظرات علمی دانشمندان کشور به مراکز و کتابخانه‌های معتبر جهان را یکی از اصول مهم و بنیادین می‌داند. بنابراین طرح حاضر با روح کلی نقشه‌ی جامع علمی کشور همسو است و برای راهبرد اهداف مهم آن تلاش می‌کند.



مرکز حافظ‌شناسی میزبان استادان دانشگاه سلجوق

از مهرماه ۱۳۹۷ دو نفر از استادان دانشگاه سلجوق قونیه، در قالب «فرصت مطالعاتی» به مدت شش ماه در کرسی پژوهشی حافظ مشغول به فعالیت شدند.



دکتر غمزه گیزم آوجی اوغلو، عضو هیأت علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلجوق در قونیه و دکتر گورجان شوکت آوجی اوغلو، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه سلجوق، طی فرصت مطالعاتی خود در مرکز حافظ‌شناسی، به پژوهش در پیوند با حافظ پرداختند.

حاصل این فرصت مطالعاتی، تالیف دو مقاله با عنوان‌های «زیبایی‌شناسی درغزلیات حافظ و مقایسه‌ی آن با غزلیات سعدی با تکیه بر مضمون گل و بلبل» و «تجزیه و تحلیل کمی ارزش‌های اجتماعی در دیوان حافظ و رویدادهای اجتماعی در دوره‌ی حافظ» است که در مجله‌های معتبر علمی ترکیه چاپ و منتشر خواهد شد.



گفت‌وگویی حافظانه

با استاد منصور رستگار فسایی



و حتی نویسندگان دیگر کشف می‌کند بر آن حسنی از گنجینه‌ی ذوق خلاق خود می‌افزاید و آن را در سخن خود به تازگی و طراوت می‌رساند و از آن میان، شاگرد دو استاد بزرگ ادب فارسی یعنی فردوسی و سعدی است که من آن دو را نیز چون حافظ دوست دارم و می‌ستایم و کتاب‌های آن‌ها هرگز از دستم نمی‌افتد. عمق توجه حافظ به آن دو قطب معتبر شعر فارسی طبعاً در ساختار شعر بی‌نظیرش تأثیر می‌گذارد.

دستاوردهای حافظ از فردوسی را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «حافظ همچون فردوسی عمیقاً به فرهنگ ایرانی دلبستگی دارد»، من در مقاله‌هایی مفصل با عنوان «حافظ و فردوسی» و «دلبستگی‌های حافظ به فرهنگ ایرانی» صحبت کرده‌ام، اما بیش از اینکه از تأثیرپذیری حافظ از سعدی که نامورترین شاعر شیراز پیش از حافظ است، بپردازم، لازم می‌دانم که اشاره کنم که سعدی نیز خود شدیداً تحت تأثیر فردوسی و شعر اوست و من این موضوع را هم در دو مقاله‌ی مفصل «سعدی و فردوسی» و «اساطیر ایرانی در شعر سعدی» شرح داده‌ام و در جایی هم این فرض را مطرح کرده‌ام که اگر فردوسی نبود سعدی می‌توانست بخشی از کار او را انجام دهد». با توجه به این که حافظ تمام آثار سعدی را خوانده و در گنجینه‌ی خاطر داشته است، من با این محورهای دلبستگی حافظ به فرهنگ ایرانی بیشتر الفت دارم و در زندگی خود مؤثر می‌دانم و دو نکته‌ی اساسی آن را در استماینه‌ی تحقیقات خود درباره‌ی وی میدانم:

۱. حرفه‌ی اصلی و شغل حافظ که باعث نام‌آوری و اعتبار وی شده است، «شاعری» است. حافظ شاعری ست ایرانی و پارسی‌گوی که شعرش سرشار از اندیشه‌های والای فرهنگ ایرانی و اسلامی است.

۲. شعر او شاهکاری است به زبان فارسی که از قلم یک ایرانی، تراوش کرده است و طبعاً مخاطبان اصلی شعر

استاد منصور رستگار فسایی (زاده‌ی ۶ بهمن ۱۳۱۷)، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و چهره‌ی ماندگار عرصه‌ی زبان و ادبیات فارسی و استاد بازنشسته‌ی دانشگاه شیراز است. دکتر رستگار فسایی در حوزه‌های گوناگون قلم زده‌اند و کارنامه‌ای درخشان و پربرگ‌وار از خود به جا گذاشته‌اند. از آثار ایشان در پیوند با حافظ، می‌توان به مجموعه مقالات کنگره‌ی بین‌المللی حافظ و کتاب حافظ و پیدا و پنهان زندگی و همچنین شرح تحقیقی دیوان حافظ که گسترده‌ترین و جامع‌ترین اثر دکتر رستگار فسایی در پیوند با حافظ است، اشاره کرد.

۱- با کدامیک از محورهای اندیشه‌ی حافظ، بیشتر مانوس هستید و یا تلاش می‌کنید که در زندگیتان همواره در نظر داشته باشید؟

من حافظ را شاعری پرورده‌ی فرهنگ ایرانی با منش‌ها و روش‌های ایرانی می‌دانم که در محیطی اسلامی تربیت می‌شود و با تأثیرپذیری از عرفان ایرانی عصر خود و تفکر مستقل و سازنده‌ای که دارد، به ارائه‌ی شعری رندانه و غزلیاتی می‌پردازد که کیفیت مواجهه‌ی وی را با جامعه، نیازها و ضرورت‌های شخصی و اجتماعی دورانی خود منعکس می‌کند و سازگار با آرزومندی‌های جامعه‌ی ایرانی عصر او نیز هست. با توجه به اینکه هم در حوزه‌ی لفظ و هم در قلمرو معنا تسلطی بی‌مانند بر همه‌ی تاریخ شعر و ادب فارسی و تحولات معانی آن دارد، محورهای شعر وی گسترده‌تر از هر شاعر دیگری است؛ بنابراین طبیعی است که من هم چون بسیاری دیگر از حافظ دوستان انس و الفتی خاص با شعر حافظ داشته باشم، مخصوصاً که حافظ در بسیاری از مضامین شعر خود، وامدار بسیاری از شاعران پیش از خویش است، بدون اینکه کورکورانه از آن‌ها پیروی کرده باشد. حافظ هر زیبایی و حسنی را که در سخن شاعران

بعضی نیز می‌پندارند که حافظ، آن بلندنظر شاهباز سدره‌نشین، فقط عارف و حافظ و مفسر قرآن است و از فرهنگ ایرانی غافل. در حالی که هر دوی این اندیشه‌ها درباره‌ی فردوسی و حافظ، نادرست است و همان‌طور که فردوسی، مسلمانی شیعه و پاک‌اعتقاد است که در برابر سلطان محمود، دلاورانه از اعتقادات خود سخن می‌گوید و بر درستی آن پای می‌فشارد، در پهنه‌ی اندیشه‌های ایرانی‌اش نیز زنده‌کردن موارث ایرانی را وجهه‌ی همت خود قرار می‌دهد، حافظ نیز ایرانی اصیلی ست که میراث‌های اسلامی را در سخن خویش شاداب و زنده می‌سازد ولی در سطر سطر سخنش، دلبستگی‌هایش را به فرهنگ ایرانی منعکس می‌سازد و بروزی دهد.

به عبارت دیگر این دو شاعر که پشت و روی سکه‌ی فرهنگی ایران‌زمین در شعر فارسی هستند، در این امر مشترکند که هر دو شاعری ایرانی و مسلمانند و شیفته‌ی فرهنگ ایرانی هستند و فرهنگی را در شعر خویش به تصویر می‌کشند که از پدران‌شان به آن‌ها رسیده است. با این تفاوت که فردوسی، اولویت شاعری خود را به فرهنگ ایرانی می‌دهد و حماسه‌های آن فرهنگ را به تصویر می‌کشد و ارائه می‌دهد و حافظ عرفان اسلامی را در کنار عشق و رندی‌های غنایی مطرح می‌سازد و هر دو یکپارچگی و انفکاک‌ناپذیری

وی نیز، ایرانیان و همه‌ی فارسی‌زبانانی هستند که در درازنای تاریخ در دامن مادربوم فرهنگی ایران‌زمین فرهنگی پرورده شده‌اند و شعرهای عربی حافظ و آنچه به لهجه‌ی محلی شیرازی سروده است، نه به لحاظ کمی و نه از جهت کیفی، وزن و اعتبار اشعار فارسی وی را ندارد و به همین جهت باید حافظ را شاعری ایرانی، پارسی‌گوی، مسلمان، رند و عارف‌پیشه دانست که شعرش آیینی جهان‌بینی و فرهنگ اوست. حافظ در شیراز، مهد تمدن و فرهنگ کهن ایرانی‌زندی کرده است و با سنت‌ها و فرهنگ ایرانی آشنا شده است و رشد شخصیت فرهنگی وی در دارالعلم شیراز دوره‌ی اسلامی بوده است که سبب شده، وی عمیقاً با فرهنگ اسلامی نیز مانوس باشد و قرآن مجید را از حفظ داشته باشد و طبعاً منشی عارفانه و اسلامی هم پیدا کند، بنابراین عجیب نیست که دیوان حافظ، ترکیبی باشد از دلبستگی‌های حافظ به فرهنگ ایران‌زمین و آموزه‌های عرفانی اسلامی که در بیت‌بیت اشعار وی، به‌طور طبیعی دوشادوش هم در جریانند و من همیشه و در همه‌جا از آن بخش، سخن می‌گویم و این نکته را یاد آوری می‌کنم که همچنان که برخی به غلط می‌پندارند که شاهنامه‌ی فردوسی فقط از ایرانیان مجوس سخن گفته است و از یاد می‌برند که شاهنامه در جوار زنده‌کردن فرهنگ و تمدن و تاریخ و زبان و هویت ایرانیان، عمیق‌ترین مفاهیم اسلامی را نیز در بیت‌بیت خود، ارائه کرده است،

فرهنگ ایرانی و اسلامی را نشان می‌دهند. فردوسی حماسه‌اش را با منش‌های اسلامی همراه می‌کند و حافظ عارفانه‌هایش را به حوزه‌ی فرهنگ ایرانی تسری می‌دهد.

۲. همان‌طور که می‌دانید، موضوع یادروزحافظ امسال (۱۳۹۸) «حافظ و انسان» است؛ شما انسان را در اشعارحافظ چگونه می‌بینید؟

در ذهن و طبعاً شعر حافظ، آنچه که امروز ما «انسانی» می‌خوانیم و مفهومی وسیع از آن در تلقی humanism [انسان: انسانی:] در معنی جهانی و امروزی آن درک می‌کنیم، به چند صورت ظهور می‌کند: منسوب به انسان، قوه یا نفس انسانی که چندان معنای خاصی را جز در ارتباط با انس و جان تداعی نمی‌کند:

تو را که صورت جسم تو را هیولایی ست
چو جوهر ملکی، در لباس انسانی
و لباس انسانی حافظ، با جوهری ملکی همراه است، اما حافظ اگرچه در این معنی بیش‌تر از الفاظی آدم، آدمی و آدمیت استفاده می‌کند، ولی هرگز در بند پیدا کردن لفظی خاص برای آن نیست، بلکه در سخنش زلال انسانیت و انسان بودن را در زندگی فردی و اجتماعی مخاطبانی که در پی انسانیت مطلوب هستند، به تصویر می‌کشد، من هرگاه این ابیات مولوی را می‌خوانم که:

دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند یافت می‌نشود چست‌ه‌ایم ما
گفت آن‌که یافت می‌نشود آتم آرزوست

به یاد این بیت حافظ می‌افتم:
آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
عالمی دیگر ببايد ساخت و از نو، آدمی می‌بینم که جهان‌بینی حافظ، بسیار فراتر از «یافت می‌نشود» و «آنچه یافت می‌نشود» مولاناست، حافظ به جست‌وجوی انسانیت و انسان گمشده می‌گردد و ناامید است؛ ولی مولانا امیدوارست که به آن یافت‌نشدنی دست یابد. حافظ به دنبال گوهری‌ست که از صدف کون و مکان بیرون است، انسان او شاهباز بلندنظر سدره‌نشین است، اما آنچه مفهوم انسانیت را در شعر حافظ تشخیص می‌بخشد، الفاظ مربوط به انسانیت یا انسان نیست؛ بلکه مفهوم انسانیت است که خود حافظ و رفتار و واکنش‌هایش همه‌جا مظهر انسانیت با تمام معانی امروزی و کهن آن است و در کلمه‌کلمه شعر حافظ جلوه‌های درخشانی دارد، اما با این پیشنهاد همراه است که: «عالمی دیگر ببايد ساخت و از نو آدمی».

۳- به‌نظر شما پیام حافظ برای

انسان‌های معاصر چیست و نسل جدید تا چه اندازه به حافظ نیازمند است؟

بهتر است من ابتدا به بخش دوم سؤال شما پاسخ دهم و بعد به قسمت اول بپردازم.

نسل معاصر ایرانی نیازهایی دارد که بخشی از آن مشترك با نیازهای همه‌ی نسل‌های گذشته نیز هست. گذشتگان هم از ارزش‌هایی مثل پاکدامنی، راستگویی، خدانشناسی، تقوی، پرهیز از ریا و دروغ و احترام به خانواده و ارزش‌های اخلاقی جامعه، مثل نسل معاصر باور داشتند، اما آنچه نسل معاصر را از گذشتگان متمایز می‌کند، نیازهایی‌ست که خاص انسان عصر ماست که برای خود تعریف‌های خاص از آزادی، تساوی حقوق همه‌ی انسان‌ها و حقوق فردی و اجتماعی دارد. توقعاتی که انسان معاصر از حقوق طبیعی خود ارائه می‌دهد، همان است که انسان اروپایی، آفریقایی، آمریکایی و... امروز هم در آن شریکند. توسعه‌ی دانشگاهی و رشد باسواد و تحولات اقتصادی و صنعتی سبب شده است که امکانات وسیع‌تری نسبت به نسل‌های گذشته در اختیار بشر امروز باشد و طبعاً باید انتظارات انسان از فرد و جامعه متناسب با شرایط جدید شکل بگیرد. حالا برگردیم به مواجهه با شعر حافظ.

امروز مخاطبان شعر حافظ به مراتب از هر دوره‌ی دیگری در تاریخ بیش‌تر است؛ زیرا در مدارس و دانشگاه‌ها و حتی کودکان‌های ایران و کشورهای با فرهنگ فارسی، حافظ و متون ادبی دیگر فارسی، به‌صورت دائمی و برنامه‌ریزی شده تدریس می‌شود. صنعت چاپ، متن دیوان او را به همه‌ی زبان‌ها، با چاپ‌های سیاه و سفید و با آرایش‌های خاص و نقاشی‌ها و نگارگری‌های مختلف در اختیار مردم گذاشته است. وسایط ارتباط جمعی مثل رادیو، تلویزیون‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و شبکه‌های جهانی اینترنت، دسترسی به شعر حافظ را برای همه و همه‌وقت و هرکجا، با آسان‌ترین روش‌ها عملی کرده‌اند و با ترجمه‌های مختلف آن خواندن و فهم و دریافت شعر شاعرانی چون حافظ جهانی شده است. طبعاً برای همه‌ی غیرفارسی‌زبانان در همه‌جا و همه‌وقت امکان پذیرشده است. بنابراین تعجب‌آور نیست که از قرن هفدهم به بعد، شعر حافظ به اغلب زبان‌های زنده‌ی جهان ترجمه شده باشد، اما در ایران این مسأله صورتی متفاوت دارد و با علاقه‌ی عمومی به شعر حافظ، همه‌گونه چاپ شعر او در حال گسترش است. هر روز فالنامه‌های حافظ که مشتریان خاص خود را دارد، در تیراژهای بالا منتشر می‌شود و دیوان حافظ، شروح آن، خوشنویسی آن،

برگزیده‌های شعرا، واژه‌نامه‌های دیوان و... به اضافه‌ی صدها کتاب و هزاران مقاله درباره‌ی او، مرتباً در نشریات عمومی و اختصاصی چاپ می‌شود و کنگره‌ها و سمینارهای ملی و بین‌المللی درباره‌ی وی برگزار می‌گردد. روز حافظ نیز، مکمل همه‌ی این موارد است و حافظ را در مرکز توجه جامعه و تحت‌تأثیر کلام حافظ قرار می‌دهد و همه‌ی این‌ها شاهد گویایی بر نیازمندی جامعه به شعر حافظ است.

۴. بارزترین ویژگی حافظ را چه می‌دانید؟

من بارزترین ویژگی حافظ را در «شاعری» وی می‌دانم و معتقدم که در میان بزرگان شعر فارسی، باید حافظ را «اشعر الشعرا» دانست، یعنی «شاعرانگی» مهم‌ترین ویژگی حافظ است که در هیچ شاعر دیگری، این‌همه نمود ندارد؛ زیرا حافظ در مواجهه با هر واقعه‌ای دیدی شاعرانه دارد. زندگی او شاعرانه است. انتخاب لفظ و معنا برای وی، وظیفه‌ای شاعرانه است. حافظ کمتر «نظم‌سرای» می‌کند. کلامش هرگز به «نثر» و وظایف آن نزدیک نمی‌شود. اگرچه «غزل» کلام شاعرانه‌ی برتر اوست، ولی آنجا که مثنوی‌هایی چون مغنی‌نامه و ساقی‌نامه و حتی قصیده و قطعه می‌سازد، در اکثر مواقع کلامش خلقت و خصوصیتی شاعرانه دارد، چه از عرفان و توحید و عشق سخن بگوید و چه رندی پیشه کند و به مبارزه با نابه‌سامانی‌های اجتماعی بپردازد و یا پند و اندرز بدهد، همیشه شاعر است و سپس رند و عارف و مصلح اجتماعی و معلم و عاشق و...! هرگز هیچکدام از این مسائل، شاعرانگی وی را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد؛ زیرا شعر و شاعری ملکه‌ی ذهن او شده است و به او این توانایی را بخشیده که به هر معنایی جامعه‌ی شاعرانه ببوشاند و آن را از سطح «نظم» و «نثر» و هر سخن غیرشاعرانه‌ی دیگری بالا ببرد و به سطح «شعر» برساند. در این هنر همه‌ی ابزارهای شاعرانه، مثل تخیل قوی، ایجاز، تشبیهات، استعارات و اسطوره‌های باستان‌گرایانه و دیگر صورخیال را هنرمندانه به خدمت شعر درمی‌آورد و همین خصوصیت شاعرانه است که اغلب به صورتی کاملاً ظریف و لطیف در ذهن خواننده‌ی سخن وی اثر می‌گذارد و شعر حافظ را برای خاص و عام، مقبول و محبوب می‌سازد.

۵- برخورد محافل ادبی و دانشگاه‌ها را با دیوان حافظ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من این سعادت را داشته‌ام که از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۵ در دانشگاه شیراز تدریس کنم و فرصت‌های مطالعاتی خود را در انگلستان، در دانشگاه کمبریج و در آمریکا در دانشگاه‌های

هاروارد و پنسیلوانیا بگذرانم و مدتی در دانشگاه مسکو درس بدهم و پس از بازنشستگی، تا سال ۲۰۱۳ به مدت ۷ سال در دانشگاه اریزونا به تدریس بپردازم و دوسال و نیم، در کشور برزیل در دانشگاه برازیلیا و دانشگاه کاتولیک برزیلیا کرسی‌های زبان فارسی را ایجاد کرده و در آنجا به تدریس بپردازم. همچنین در دوره‌های بازآموزی زبان فارسی در ایران و کشورهای هندوستان، ژاپن، چین و روسیه شرکت کنم و در سمینارها و کنفرانس‌های متعددی در کشورهای دیگری چون آلمان، شیلی و... حضور داشته باشم و از نزدیک در جریان مواجهه‌ی دانشجویان و استادان این مراکز با زبان فارسی و به‌ویژه شعرای نامدار آن قرار داشته باشم و اطلاعات دست‌اولی از آن‌ها کسب کنم.

بنابراین وقتی به عقب برمی‌گردم و به جریان حافظ‌شناسی در گذشته نگاه می‌کنم، بسیار شاد و امیدوار می‌شوم. من در اولین کنگره‌ی جهانی سعدی و حافظ که سال ۱۳۵۰، توسط دانشگاه شیراز برگزار شد، شرکت داشتم و عضو شورای انتشارات آن بودم و دوجلد کتاب مقالاتی درباره شعر و زندگی سعدی و حافظ را که سخنرانی‌های ارائه‌شده در این کنگره بود، تدوین و چاپ کردم و خود نیز مقاله‌ای با عنوان «طبیعت در شعر حافظ» عرضه داشتم. تا آن زمان، هیچ کارآکادمیک و علمی جز چند کتاب که اغلب به‌عنوان رساله‌ی دکتری ادبیات بود، درباره‌ی حافظ منتشر نشده بود و تنها دانشگاه شیراز بود که از شادروان مسعود فرزاد که در انگلستان مقیم بود، دعوت کرد تا به شیراز بیاید و با دادن امکانات لازم به وی در این دانشگاه، او را یاری داد تا مجموعه‌ی تحقیقاتش را در باره‌ی حافظ به‌وسیله‌ی انتشارات این دانشگاه، منتشر سازد. اما هنوز هیچ درس مستقلی از حافظ یا هیچ شاعر دیگری، در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شد. مثلاً خود شادروان فرزاد که تا آن زمان تنها حافظ‌شناس شناخته‌شده‌ی ایران بود، در دانشگاه شیراز فقط عروض فارسی و دروس عمومی تدریس می‌کرد و هرگز حافظ را در این دانشگاه تدریس نکرد. خارج از ایران نیز بیش‌تر توجه به خیام و مولوی و فردوسی بود و کارهای فراوانی در ایران و جهان درباره‌ی این بزرگان انجام شده بود. من خود در سال ۱۳۵۴، در دانشگاه کمبریج شاهنامه را تدریس می‌کردم، ولی از حافظ‌پژوهی و سعدی‌شناسی خبری نبود. اما به‌تدریج فضای ملی و به تبع آن تحقیقات بین‌المللی، به‌نفع حافظ‌شناسی و سعدی‌پژوهی تغییر کرد. در ایران با وقوع انقلاب اسلامی و تجدیدنظر در برنامه‌های دانشگاهی،

فردوسی، سعدی، حافظ و بسیاری از شاعران دیگر دروس مستقل خود را پیدا کردند و تدریس شدند و طبعاً مقالات و کتب متعدد و رساله‌های کارشناسی و دکتری فراوانی درباره‌ی آن‌ها تدوین و چاپ شد و به دنبال آن، در فضای بیرون دانشگاهی، به حافظ توجه بیش‌تری شد. در اینجا بود که فارس، بار دیگر نقش آفرینی خاص خود را نشان داد. در سال ۱۳۷۶ به پیشنهاد دکتر کوروش کمالی، یادروز حافظ، در بیستم مهرماه و یادروز سعدی در اول اردیبهشت‌ماه جلالی در تقویم رسمی کشور رسمیت یافت. سپس مرکز حافظ‌شناسی و مرکز سعدی‌شناسی شکل گرفت و همچنین دانشگاه حافظ شیراز تأسیس شد. جلسات حافظ‌خوانی در آرامگاه حافظ شروع به کار کردند. دکتر کاووس حسن‌لی و همکارانش در حوزه‌های دانشگاهی و بخش فارسی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، مجدانه به تحقیق و تفحص درباره‌ی سعدی و حافظ پرداختند. دکتر حسن‌لی کتاب «راهنمای موضوعی حافظ‌شناسی» را تدوین کردند و در سال ۱۳۸۹ جایزه‌ی «کتاب سال حافظ» به او رسید و خوشبختانه خبردار شدم که کرسی حافظ‌پژوهی نیز به جناب دکتر حسن‌لی در مرکز حافظ‌شناسی اعطا شده است که شایان تقدیر فراوان است.

این کوشش‌ها، محدود به این افراد نماند و بسیاری از دانشگاهیان و فضلا و نویسندگان ایرانی و بیگانه به حافظ و سعدی پژوهی پرداختند. به این ترتیب می‌توان گفت که سعدی‌پژوهی و حافظ‌پژوهی در دوران ما، سرعت، دقت و دامنه‌ی گسترده‌ای پیدا کرده است که در گذشته، هرگز شاهد چنین کوشش‌هایی نبوده‌ایم و این امر، خوشبختانه مبین آن است که حافظ‌پژوهی و سعدی‌پژوهی مورد توجه و علاقه‌ی وسیع فرهیختگان معاصر است.

۶- در یک ارزیابی کلی، مطالعات حافظ‌پژوهی یک‌صدسال اخیر را چطور ارزیابی می‌نمایید؟ لطفاً نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها را از دیدگاه خود بیان فرمایید.

اگر نظری به کتاب‌شناسی حافظ از دکتر مهرداد نیک‌نام ببندازید، می‌بینید که هر اتفاق مهمی که در مطالعات حافظ‌شناسی رخ داده، در صدسال اخیر بوده است که به‌مدد چاپ و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی، حافظ‌شناسی گسترش بی‌مانندی یافته است. پس از تصحیح قیاسی دیوان حافظ به‌وسیله‌ی مرحوم قدسی شیرازی و همکارانش، دوران جدیدی در حافظ‌پژوهی آغاز می‌شود

که صدها محقق و حافظ‌شناس و دوستدار حافظ، همه‌ی یافته‌های خود را به‌معرض دید خوانندگانشان می‌گذارند و تصحیح دقیق دیوان حافظ، تدوین لغت‌نامه‌ها، کتب ارزنده درباره‌ی شعر و زندگی حافظ و انتشار شرح‌های دیوان وی، کارنامه‌ی حافظ‌پژوهی را پربار می‌سازد و که آثاری ماندگار درباره‌ی حافظ و شعر و زندگی وی منتشر می‌سازند چون: شادروان عبدالوهاب قزوینی، دکتر قاسم غنی، دکتر محمد معین، شادروان دکتر خانلری، مسعودفرزاد، علی دشتی، بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر منوچهر مرتضوی، دکتر سلیم نیساری، دکتر عیوضی، ابوالقاسم انجوی شیرازی، هاشم جاوید، دکتر نورانی وصال، جلالی نایینی، دکتر زرین‌کوب، دکتر هروی، دکتر ابوالفضل مضاف، دکتر زریاب خویی، دکتر محمد امین ریاحی، عبدالعلی دستغیب، داریوش آشوری، ه.الف سایه، دکتر اهور، دکتر قیصری و....

من به هیچ‌کدام از کارهای این بزرگان به‌عنوان نقطه‌ی ضعف نمی‌نگرم و همه‌ی آن‌ها را گامی به پیش در حافظ‌شناسی و رسیدن به کمال می‌شناسم. جامعه اندیشه‌مند است و درباره‌ی هر اثری به‌مرور ایام به قضاوتی درست می‌رسد، ولی من هنوز معتقدم که رسیدن به تصحیح نهایی دیوان حافظ که بتواند راه حافظ‌پژوهان را در تحقیقات خود هموار سازد، در اولویت است.

۷- به‌نظر جنابعالی برای آینده، چه مطالعاتی در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی در اولویت است؟

من تصحیح انتقادی دیوان حافظ را در اولویت می‌دانم و معتقدم، کسی باید همان‌کاری را که دکتر خالقی مطلق درباره‌ی شاهنامه انجام دادند، درباره‌ی حافظ نیز انجام دهد.

۸- غیر از شرح شش‌جلدی دیوان حافظ از جناب عالی که به‌تازگی منتشر شده است، باخبر شده‌ایم که کتاب مبسوط دیگری به‌نام «کلمات آتش‌انگیز» در مرحله‌ی ویرایش و چاپ دارید. آیا ممکن است درباره‌ی این کتاب و زمان انتشارش توضیحی بفرمایید؟

این کتاب با هدف پاسخ به ابهامات لغات، ترکیبات، اصطلاحات، کنایات، استعارات و معنی‌پذیری‌های شعر حافظ، به‌طور جامع، تنظیم شده است تا همگان، از هر سطحی، بتوانند از آن استفاده کنند. این لغت‌نامه با واژه‌نامه‌های تخصصی موجود در زبان فارسی تفاوت‌هایی دارد. در تدوین آن،

جز در برخی از اصول لغت‌نامه‌نویسی، از هیچ‌یک از کتاب‌های لغت پیروی نشده است و جامع‌ترین واژه‌نامه‌ای است که براساس واژه‌نمای حافظ خانم دکتر صدیقیان تنظیم شده و کامل‌ترین لغت‌نامه‌ی اختصاصی در زبان فارسی است و همه‌ی واژگان موجود در دیوان حافظ را (نه فقط در غزلیات) از حرف، اسم و فعل و... بدون استثنا دربرمی‌گیرد و من به‌خاطر وسواس و دقتی که درباره‌ی این کتاب دارم، هنوز آن را به ناشری نسپرده‌ام. این فرهنگ دو مدخل اصلی و فرعی دارد:

الف. این لغت‌نامه به ترتیب الفبایی سرواژه‌ها تدوین شده است و سرواژه/مدخل نخست یا اصلی، عبارت است از اصل کلمه که اساس اشتقاق‌ها یا ترکیب‌هاست. ریشه و تحولات تاریخی هر سرواژه مستقلاً بیان شده و معنی‌پذیری‌های آن در شعر حافظ تحلیل شده است. برای پیدا کردن هر واژه، باید به‌صورت ساده و اصلی آن مراجعه کرد.

ب. مدخل‌های فرعی این لغت‌نامه، کلمات مشتق یا مرکب به‌کاررفته در دیوان حافظ هستند که از مدخل اصلی ساخته شده‌اند. این مدخل‌ها، بدون تفکیک نوع، به ترتیب الفبایی در ذیل مدخل‌های دوم قرار می‌گیرند. ترکیبات واژه، اشتقاق‌های مستقل و وابسته به آن هم در ذیل مدخل دوم یا فرعی ذکر می‌شود و ضمن بیان نوع ترکیب یا اشتقاق صرفی و نحوی و ادبی لغت معانی متناسبی که در آن ترکیب یا اشتقاق به‌خود گرفته‌اند، بیان می‌شود. این کلمات مرکب یا اضافه‌ها همه‌ی معانی اسمی، فعلی، وصفی، قیدی و حرفی را شامل هستند، اما به‌لحاظ ساختاری، به سه صورت از هم جدایند:

ترکیبات اضافی یا کلماتی که در حالت مضاف و مضاف‌الیه یا صفت و موصوف قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین آفرینش‌های هنری حافظ در شعر به‌وسیله‌ی این نوع از کلمات، که واقعاً آتش‌انگیز هستند، انجام می‌شود. دامنه‌ی این ترکیبات بسیار وسیع است و بسیاری از استعارات، تصویرها، کنایات، مجازها، اصطلاحات، تمثیلات، اقتباس‌ها، و خلاقیت‌های شعر حافظ در این حوزه قرار دارد. این بخش از «کلمات آتش‌انگیز» پربارترین بخش این لغت‌نامه را تشکیل می‌دهد.

در شعر حافظ بسیاری از ترکیبات اسمی و وصفی و فعلی به کار می‌رود که دامنه‌ی واژگان شعر او را بسیار گسترده و پرمعنی می‌کند. ظرفیت‌های هنری خاصی را که حافظ در خلاقیت‌های خود بدان نیازمند است، قابل دسترس می‌سازد و ظرفیت‌های ویژه‌ای به سخن حافظ می‌بخشد که از عوامل مهم تأثیر شعر و ابهامات و چندمعنایی‌شدن شعر

اوست. هرچه این ترکیبات از واژه‌ای بیش‌تر می‌شود، ضریب خلق مضامین و ابهامات تازه افزایش می‌یابد. در این بخش، اغلب به موارد ابهام یا ابهام و اختلاف ضبط‌ها و حالات تصویری و بلاغی واژه و اختلافات شارحان و مفسران در قرائت و معناکردن لغت مستنداً اشاره می‌شود.

۹- حافظ در آمریکا و در میان مردم مغرب‌زمین چه جایگاهی دارد؟ آیا دشواری ترجمه‌ی اشعار حافظ در شناسایی او به‌جهانیان تأثیر داشته است؟

اصولاً مسأله‌ی ترجمه‌پذیری شعر فارسی، به‌ویژه شعر حافظ، از مباحث عمده‌ی منتقدان ادبی است و درجه‌ی موفقیت هر مترجمی در کار ترجمه‌ی شعر، انتقال کامل صورت و معنای شعر از زبان اصلی به زبانی دیگر است که علاوه بر تسلط بر دو زبان، نیازمند ذوق و توانایی ادبی و حتی تاریخی شعر است و این کار برای اغلب مترجمان غیرفارسی‌زبان مشکلات فراوانی ایجاد کرده است و کسانی مثل شادروان مسعود فرزند، دکتر کریمی حکاک، آقای آریان‌پور و دکتر بهروز همایون‌فر و پیتربیوری بخش‌هایی از غزلیات حافظ را ترجمه کرده‌اند که من خود را برای قضاوت درباره‌ی ماهیت ترجمه‌ی آن‌ها صاحب صلاحیت نمی‌دانم.

۱۰- یک بیت یا یک غزل از حافظ را که بیش‌تر با آن مأنوس هستید و یا به آن علاقه‌ی بیش‌تری دارید لطفاً بنویسید و در پایان اگر سخن ناگفته‌ای با خوانندگان دارید، بفرمایید.

من عاشق شعر حافظ هستم و بسیاری از اشعار او را شاهکار می‌دانم و طبعاً انتخاب یک شعر یا یک غزل برتر برایم مشکل است، اما غزل:

سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

را بیش‌تر می‌پسندم و این بیت حافظ را هم بسیار دوست دارم:

که ای بلندنظر شاه‌باز سدره‌نشین
نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است

در پایان به همه‌ی دوستداران حافظ توصیه می‌کنم که هرچه بیش‌تر به مطالعه‌ی کتب و مقالاتی که درباره‌ی حافظ و شعر وی نوشته می‌شود، بپردازند تا ذهنیتی پربارتر و راهگشاتر در درک شعر و هنر حافظ پیدا کنند و بیش‌تر از عمق و زیبایی‌های کلام لسان‌الغیب لذت ببرند.

معرفی کتاب



دکتر فریده پورگیو

مدیر روابط بین الملل مرکز حافظ شناسی

متولد شد. او مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشدش را به ترتیب در ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه کیمبریج و دکترایش را در ادبیات کلاسیک فارسی در سال ۱۹۸۸ از دانشگاه منچستر دریافت کرد.

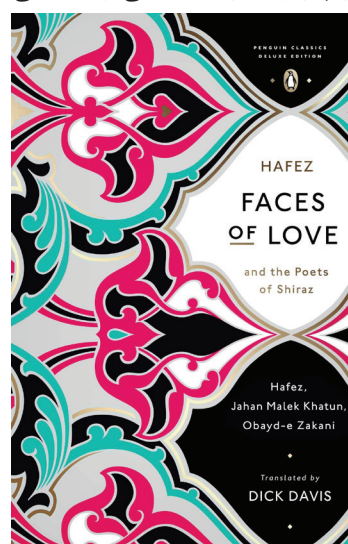
دیویس در سال ۱۹۷۰ برای دیدار دوستی به ایران سفر کرد، اما در طول اقامت خود در ایران بیمار شد. بعد از بهبود با دختری ایرانی که پرستاری وی را در دوران بیماری بر عهده داشت،

چهره‌های عشق و شاعران شیراز

اثر دیک دیویس

ناشر: پنگوئن، ۲۰۱۳، ۳۶۸ صفحه

دکتر دیک دیویس (Dick Davis)، نویسنده و مترجم برجسته‌ی انگلیسی در سال ۱۹۴۵ میلادی، در پورتموث شهری ساحلی در جنوب انگلستان، از پدر و مادری انگلیسی و ایتالیایی



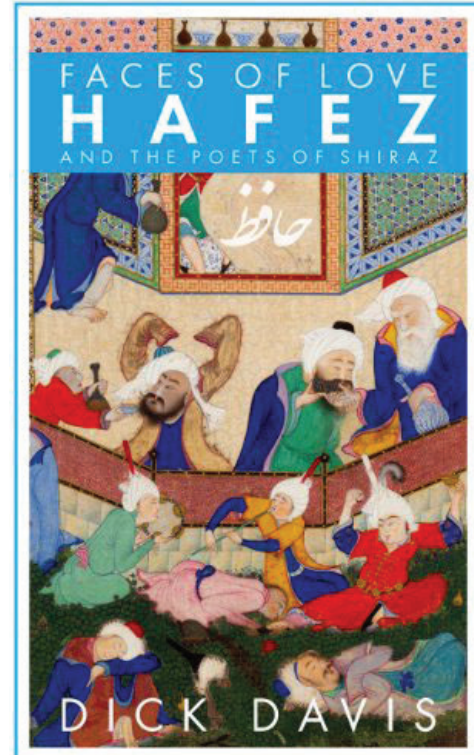
ازدواج کرد و حاصل ازدواج او دو دختر به نام مریم و مهری است. دیک دیویس مدت هشت سال در ایران زندگی کرد و بدین سبب زبان فارسی را یاد گرفت و بعدها در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دیویس علاوه بر تدریس، کارنامه‌ی ادبی پرکاری دارد. او شاعر توانمندی است و به عنوان نویسنده و مترجم، بیش از بیست اثر ادبی از خود به جای گذاشته است، به ویژه چندین اثر ادبی منظوم را از زبان ایتالیایی و زبان فارسی ترجمه کرده است. ترجمه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، منطق الطیر عطار، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و دایی جان ناپلئون ایرج پزشک‌زاد، چند نمونه از آثار اوست، همین‌طور ترجمه‌ی فیتس جرالڈ از رباعیات خیام با ویرایش دیویس که چندین چاپ رسیده است. دیویس نظرات و موضع‌گیری‌های خود را درخصوص ترجمه‌ی شعر حافظ، در مقاله‌ای با عنوان «در باب

ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ» منتشر کرد که بعد از انتشار آن تا مدت‌ها موضوع بحث و بررسی بسیاری از پژوهشگران بود. او به‌طور کلی از آن دسته مترجمانی است که شعر را ترجمه‌ناپذیر نمی‌داند، بلکه معتقد است که شعر برخی از شعرا مانند حافظ، ترجمه‌پذیر نیست و این شاعران همان‌ها هستند که هویت یک ملت را در آثار خود تلخیص می‌کنند.

ترجمه دیویس از حافظ، مورد توجه قرار گرفته است و منتقدان بسیاری این ترجمه را ستوده‌اند. ضمیمه‌ی ادبی تایمز، وی را بهترین مترجم اشعار فارسی نامیده است. دیویس معتقد است که نقش حافظ در شعر همانند

نقش باخ در موسیقی کلاسیک است که هرچه در گذشته در موسیقی اتفاق افتاده بود گرد آوری کرد و با نوآوری به صحنه فرستاد.

دیک دیویس در پیوند با حافظ، مجموعه‌ی ترجمه‌شده‌ای به نام درباره‌ی چهره‌های عشق و شاعران شیراز: حافظ، جهان ملک خاتون و عبید زاکانی (۲۰۱۳) دارد که پایان بخش ترجمه‌های اوست. در این مجموعه، تعدادی از اشعار سه تن از شاعران درباره آل اینجو، یعنی حافظ، جهان ملک خاتون و عبید زاکانی ترجمه شده است. این کتاب با یک مقدمه‌ی طولانی ۶۴ صفحه‌ای که توضیحاتی است درباره‌ی جغرافیا و گذشته‌ی تاریخی



شیراز آغاز می‌شود. سپس درباره‌ی سنت‌های شعری، به ویژه غزل بحث می‌کند. دیویس غزل فارسی را با شعر غنایی اروپایی مقایسه می‌کند و از ابهام در شعر حافظ و لایه‌های مختلف معنی و تفسیر می‌گوید که باعث سختی کار مترجم است. وی معتقد است که جهان ملک خاتون با حافظ آشنایی داشته و نیز عبید را به خاطر حضور در دربار عمویش می‌شناخته است. دیویس معتقد است که هر سه شاعر شیرازی، از دورویی متنفر بوده‌اند و در شعر خود به آن می‌پردازند. وی عبید را با جاناناتان سوئیفت، نویسنده‌ی انگلیسی مقایسه می‌کند که هر دو خشمی را در آثار خود بروز می‌دهند.



نشریه‌ی خبری «آینه‌دار جمال»

وابسته به مرکز حافظ شناسی و گُرسی پژوهشی حافظ

صاحب امتیاز: مرکز حافظ شناسی

مدیر مسئول: کاووس حسن‌لی

سر دبیر: سعیده رضازاده

صفحه‌آرا: محسن گل‌آرایش

همکاران این شماره: فریده پورگیو،

سیدهادی حسینی، شیرین رزمجو بختیاری،

علی رجایی، ماندانا فیروزآبادی

نشانی: شیراز، حافظیه، مرکز حافظ شناسی

کدپستی: ۷۱۴۶۹۱۱۳۶

شماره تماس: ۰۷۱۳۲۲۸۸۶۱۴

سایت: www.hafezstudies.com

رایانامه: hafezstudies@gmail.com